


سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۴۵

بیکار

۴۰ صفحه

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز
میهنمان توطئه کشتار فرزندان دلاور خلق ترکمن
را که بدست عوامل ارتجاع و امپریالیسم
صورت گرفته است محکوم می کنیم!



دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۸ بهار ۲۵ ریال

کتابخانه مرکزی تبریز
Transische Bibliothek Hannover

بنی صدر: منطق چماق و نان شیرینی

حقی بختید و اشغال بست ریاست شورای انقلاب و
ترماندهی کل قوا مواضع او را در مجموعه هیئت
حاکمه تشبیه و تقویت نمود. اکنون به یقین می -
توان گفت که او نیرومندترین و موثرترین فرد هیئت
حاکمه است. بویژه آنکه آیت الله خمینی بدلیل
بندی در صفحه ۱۱

بنی صدر بیابا سر دروغین با آسانی از وعده و
وعید و اعتماد نفسی مخصوص به خود، اکثریت عظمی
از توده های نا آگاه و متوهم را به بیعت با خود فرا -
خواند، پس از کسب مقام ریاست جمهوری، همچنان
ظلمه های قدرت را یکی پس از دیگری درمی نوردد.
کسب مقام رئیس جمهوری، آرزوی ۳۰ ساله او را

محاكمه
محمد تقی شهرام
در آستانه انتخابات
توطئه ای پیش نیست
صفحه ۱۵

تجاریبی از کار توده های انقلابی در میان کارگران

صفحه ۳

کشتار رهبران زندانی خلق ترکمن فقط "ده درصد قاطعیت" است!

هیئت حاکمه میل از آنکه ترکمن محراب را -
آتش بگیرد، نمایندگان خلق ترکمن را عیان می -
ریاید. رفقا توماج، مختوم، واحدی و جرجانی در سب
قبل از راه پیمائی مردم، یعنی شب ۱۹ بهمن سه
وسيله با سداران ربه و سه نهوان اعزام می شود.
با سداران کنبدروز نسل از راه پیمائی، اعلامیه ای
صادر می کنند و در آن خلق ترکمن را تهدید می کنند
بندی در صفحه ۲

خلق ترکمن داغدار است. چرا که ارتجاع حاکم
بیکری را بچون کنده است. خلق ترکمن نیز داغدار است
چرا که دهها نفر از فرزندان دلاور و شجاع کشته شده اند
خلق ترکمن خشکین است، چرا که خم طغانی این
را در وجود هیئت حاکمه بیرونی مشاهده می کند. این
ارتش کیست که این جنین خاها را به نوبت میسدد؟
این یا سدار چیست که این جنین بیرحمانه بزرگ و
کوچک و بیرو جوان را نابود می کند؟

گزارشی از سیل خوزستان: خوزستان در آب است، "شورای انقلاب" در خواب است!

صفحه ۸

گزارشی از: هیئتینگ انتخاباتی سازمان

صفحه ۱۶

انقلاب فوریه روسیه و درسهای آن برای کارگران و زحمتکشان

صفحه ۱۰

رسماسست سالگرد انقلاب فوریه ۱۹۱۷

- ★ معرفی کاندیدای سازمان در ریند رانزلی صفحه ۱۹
- ★ چرا رژیم جمهوری اسلامی از انقلابین می ترسد ؟
- ★ سازمان "سیاسی ایدئولوژیک" توطئه ای دیگر برای
- تفتیش عقاید در درون ارتش صفحه ۱۷
- ★ مبارزه قهرمانانه کارگران مینو صفحه ۱۶
- ★ از معلمین متحصن در سراوان پشتیبانی کنیم صفحه ۹
- ★ چرا ما در ستاد مشترک نیستیم! صفحه ۷
- ★ ارتجاع از خوف زحمتکشان نمایندگان را می ریاید
- صفحه ۶
- ★ درسهای سرپرست و مقاومت کارگران استیو و رینگ
- صفحه ۴
- صفحه ۳

کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی و مترقی! برای تقویت صف نیروهای خلق به کاندیداهای ما رأی دهید!

کشتار فجیع چهار نماینده زندانی خلق ترکمن در تهران

روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۳

آرامش در گنبد

● در وقایع گنبد ۱۰۰ تن زخمی و ۵۰ نفر کشته شدند.

● توماج یکی از رهبران فداثیها همراه سه تن دیگر دستگیر و به تهران اعزام شد

روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۲/۵

۴ عضو ستاد خلق ترکمن به ضرب گلوله کشته شدند

بی‌نامی از پرسرپرگان کشته‌شدگان به‌جنورد آمده و هویت متولین باین شرح مشخص شد: ۱- تواب محمد داستان سابق پندر هپاس، عضو شورای شهر گنبد و عضو ستاد خلق ترکمن. ۲- عبدالحمید مخوم دبیر لیسانس و عضو ستاد خلق ترکمن. ۳- درخشنده توماج لیسانس، عضو ستاد خلق ترکمن و نماینده این ستاد در فرمانداری گنبد. ۴- جرجانی لیسانس و

جنورده خیرنگار اطلاعات اجساد چهار نفر از اعضای ستاد خلق ترکمن، در ۱۲۰ کیلومتری غرب جنورد کشته شدند. هویت کشته‌شدگان پس از معاینه اجساد مشخص شد که آن‌ها برادر اصابت گلوله کشته شده‌اند. از سوی دیگر یکی از پرستاران بیمارستان که اهل گنبد کاووس است، یگواز اجساد را شناسایی کرد و هویت وی را تواب محمد واحدی، بیان نمود. بدین‌بند این شناسایی و در

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، دوبریده روزنامه یکی از روزنامه‌های جمهوری اسلامی مورخ ۵۸/۱۱/۲۳ و دیگری از اطلاعات مورخ ۵۸/۱۲/۵ می‌باشد.

روز ۱۸ بهمن ماه یعنی یک روز قبل از وقایع اخیر گنبد، چهار تن از نمایندگان خلق ترکمن توسط پاسداران حامی سرمایه‌داری و زمین‌دار در گنبد دستگیر و به تهران اعزام شدند. ناگفته نماند است که این چهار تن بی‌وجه نمی‌توانستند از زندان جمهوری اسلامی در تهران، در وقایع گنبد نقشی داشته باشند. لکن جلادان ارتجاع این چهار تن را که مورد اعتماد خلق ترکمن بوده و نمایندگان شان را سلب کرده‌اند، ناخواسته دانه و با سیوه‌ای فانیسی بقتل می‌رسانند.

روزنامه اطلاعات مورخ ۵۸/۱۲/۴ از کشته شدن نمایندگان خلق ترکمن و پیدا شدن جسدشان در ۱۲۵ کیلومتری غرب جنورد خبر می‌دهد! یعنی اسرائیلی که طبق گواهی خود جلادان، در زندان تهران بوده‌اند، چند روز بعد جسدشان در ۱۲۵ کیلومتری غرب جنورد پیدا می‌شود!

ما همراه با خلق دادگنده، ترکمن، این جنایت کثیف و غامض جلادان جنایتکاران در هیئت حاکمه را بدست محکوم می‌کنیم و از هم‌میهنان ما روز خود می‌خواهیم که از زنده‌شدن با ردیگر جنایات کثیف پهلوی این با رنج‌لوی می‌دهد تکرار شود.

با تشدیدای ترکمن گرامی باد! شک و نفرت بر ارتجاع!



سند واحد کشتار رهبران...

تخلیوی راه‌پیمایی‌شان را خواهند گرفت. این‌ها اعلامیه پیدا می‌شود اما می‌داند سانی در سطح شهر می‌ترسند بود. روز را به بی‌ثباتی، اوباشان حکومتی و جریده‌خواران حزب جمهوری اسلامی همراه با عده‌ای با سدار، بقصد خلال در راه‌پیمایی مردم، توطئه و تحریکات خود را شروع می‌کنند. ابتدا با سنگ و چوب و سپس رگبار مسلسل‌ها بسان به‌مدا در می‌آید. خلق به دفاع بر می‌خیزد و ارتش با تانک و توپ و خمپاره به کمک پاسداران نمانده و بیخ‌های ترکمن - نشین کنند را با بمب و راکت و خمپاره به‌ویژه بسای بدل می‌سازند. نتیجه: ده‌ها کشته و مدها زخمی و هزاران نفر آواره، هدیه‌ای است از طرف رژیم جمهوری اسلامی ایران به خلق ستم‌دیده، ترکمن! با بقول آقای سنی صدر "ده در صد از نا طبیعت رژیم"! لکن این جنایات به‌مین جا ختم نمی‌یابد. چهار نفر از نمایندگان خلق ترکمن که در زندان اوین و در اسارت رژیم جمهوری اسلامی ایران بودند بقتل می‌رسند و اجسادشان در کنار جاده بین گنبد

لکن وقتی که این آقایان مرتجع متوجه شدند که توده‌های آگاه‌هایی به حقیقت ما چرا برده‌اند، اینبار مدعی شدند که گویا عده‌ای مسلح بقصد ارتداد از زندانیان حمله کرده‌اند و آنها را برده‌اند! البته برای این‌کسه این دروغ را به‌ترتیبی کشته‌به مردم بقبولانند، دست‌به‌اختراع گروه موهومی بنا "فداثیان خلق

و جنورده پیدا می‌شود. طبق اطلاع موثق، جوپاشی که در نتیجه‌های اطراف جاده متفول چرا می‌گوسفندان نش بوده، آمبولانسی را دیده که اجساد در آن محل رها کرده‌اند. آدم‌کشان جمهوری اسلامی، اگر چه جنایت - سبتگی را از ساواک بخوبی آموخته‌اند، لکن هنوز در بریده‌بوشی جنایات خود مهارت لازم را ندارند و

● سخنگوی سپاه پاسداران ابتدا مدعی شد که چهار رهبر شهید ترکمن در جریان درگیری گنبد کشته شده‌اند. بعد که متوجه شدند دروغشان نگرفته است، گفتند در حمله به ماشین پاسداران این چهار تن ربه شده‌اند! و بعد هم به اسم گروه موهومی بنا "فداثیان خلق ترکمن" اعلامیه دادند. اما بر سرش خلق این است اگر راست می‌گویند چرا بلافاصله پس از ربه شدن این چهار تن آنها را اعلام نکردید؟!

ترکمن "میزنند و اعلامیه‌های جعلی را منتشر می‌بند این گروه" در روزنامه‌ها بجای می‌رسانند. لکن نامه جمهوری اسلامی در این میان بیش از همه صراحت دارد که این گروه "خود سخته را علم‌کنند. اما این جنایت - کاران فقط به یک سوال جواب دهند: چرا همان موقع که نقابداران به آنها حمله کردند و چهار تن را برده‌اند خیر آنها را اعلام نکردند؟! آنچه مسلم است، سپاه پاسداران و خا منسه‌ای عامل اجرای این توطئه کثیف بوده‌اند، جنایتی - بقیه در صفحه ۱۳

چنین است که با تناقض کوشی‌های ناشیانه‌ای، خود را لوم می‌دهند. سخنگوی سپاه پاسداران ابتدا مدعی می‌شود که این چهار زندانی، به گنبد بازگردانده شده و سپس گویا در درگیری گنبد کشته شده‌اند. از آنجا که دروغگو کم‌حافظه نیز هست، این آقاسی سخنگو فراموش می‌کند که زمانی که نمایندگان خلق ترکمن در زندان وین بودند، طبق گفته هیئت حاکمه درگیری‌های گنبد خا تنه یافته و شهر در اختیارش جمهوری اسلامی بوده است (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۵)

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



دسیسه‌های سرپرست و مقاومت کارگران استیو دورینگ

از روز سه شنبه ۲۴ بهمن شخصی بنام اسلام زاده از طرف دادگاه انقلاب وسپاه پاسداران سرپرستی شرکت استیو دورینگ گماشته میشود. شخص مذکور پس از شروع کار بخشنامه‌های مادر کرده‌وظیفی آن مطرح می‌کنند که من از موقع تحویل کار مسئول بوده و کاری به طلب گذشته کارگران از شرکت ندارم.

کارگران که ما به الحاق و تفویض (بیک بی) حقوق خود را از اول فروردین ماه تا امروز دریافت نکرده‌اند بودند در مقابل این بخشنامه از خود عکس العمل نشان داده و روز چهارشنبه ۲۴ بهمن دست از کسار کشیده و اعلام اعتصاب کردند.

در نتیجه اعتصاب کارگران امر تخریب وسایل کاری کشتی‌ها متوقف شد. کارگران پس از تعطیل کار از محوطه بندر خارج شده و به دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان فردوسی رفتند. تحت فشار کارگران مقامات محلی بخشنامه را جمع آوری و می‌کنند اما کارگران به این امر اکتفا نکرده و خواستار استعفا سرپرست شدند. در نتیجه با فشاری کارگران مبارز استیو دورینگ سرپرست شرکت مجبور به استعفا شد.

کارگران مبارزانما بینه فرما نداری می‌خواهند که با شهران شما سرگرفته و رسولی رئیس استماری شرکت استیو دورینگ را از اعتصاب کارگران و خواسته‌های آنها مطلع سازد. اعتصاب کارگران کماکان ادامه دارد.

دوخواست اساسی کارگران مبارز شرکت استیو دورینگ خرمشهر عبارتند از:

۱- رسمی شدن و قرار گرفتن کارگران زیر پوشش اداره بندر.

۲- پرداخت ماهانه الحاق و تفویض (بیک بی) حقوق از اول فروردین ماه تا بهمن ۵۸.

پیروزی دسارات حق طلبانه کارگران ایران!

(سقل از محمد محلی بکارگرمشهر خرمشهر تا شماره ۱۱۱)

سودمند تبلیغ و با فشاری زیاد و ارکاندهش کردند. بعد از این جریان بود که آنها بین از بین معمر و مسزوی شدند.

در این میان کارفرما نیز با کمک جاسوسان نواشته بود و در پی آنها را در می‌بیند. نیروهای انقلابی بگیرد. ولیست تعداد زیادی از روشنفکران و کارگران پیشرو را برای اخراج تهیه نماید. با اخراج دو تن از روشنفکران (به بهانه غیبت زیاد و غیرموجه). بقیه روشنفکران و کارگران جدید دست به اعتراض می‌زنند. اما پس از مدتی توسط برخی از کارگران از سالن بیرون رانده می‌شوند و از آن به بعد به کارخانه نیز راهشان نمی‌دهند. از آن پس کوششهای آنها برای بازگشت به سرکار شروع می‌شود.

تجاری از کار توده‌های انقلابی در میان کارگران

رادوست می‌داشتند. کارگران این کارخانه حتی در دوران قیام که بسیاری از کارخانه‌ها در سبب اعتصاب می‌سوخت، تنها ۱۵ روز تعطیل شده بودند. با ورود روشنفکران و چند کارگر جدید که روپهم حدود ۱۵۰ نفر می‌شدند، جو کارخانه بکلی تغییر کرد. خواستهای که کارگران جدید مطرح می‌کردند، کارگران قدیمی را به تعجب و امیداشت، بطوریکه کارگاههای اظهار می‌کردند: "جدیدی ها قدر برونوع

بدنبال نکست می‌چریکی، منی ای که بجای بردن آگاهی‌های ترویجی و تبلیغی (سوسال دموی- کراتیک) درون جنبش طبقه کارگر و بسیج و تشکل آن، عناصر پیشروی طبقه کارگر را نیز از کارخانه بیرون کشیده و به چریک حرفه‌ای تبدیل می‌کرد. بسیاری از روشنفکران انقلابی بمنظور تماس با جنبش کارگری و انجام کار آگاهانه، توده‌های انقلابی به درون کارخانه‌ها روی می‌آوردند. اما برخی از آنها بعلت

- با وجودیکه بسیاری از روشنفکران انقلابی جامعه ما با جنبش چریکی وجد از توده‌های مرزبندی نموده‌اند، اما بعلت نداشتن درک درستی از روشی توده‌ای انقلابی همچنان اعمالشان جدا از توده می‌باشد.
- مادامیکه روشنفکران ما همچنان با دید نجات بخشند، توده‌ها بدون توجه به این واقعیت که از توده‌ها نیز باید آموخت - میان آنها می‌روند، نمیتوانند موفقیتی بدست آورند.
- پیشاهنگ واقعی باید با توجه به وضعیت توده‌ها و ارزیابی از خواستها و نیازهای آنان همگام و تنها بگذرد. جلوتر از آنها حرکت کرده و نقش رهبری مبارزات آنان را بعهده بگیرد.
- صحت و سقم یک حرکت در پیروزی و شکست کوتاه مدت آن نیست، آنچه مهم است جنبه دراز مدت و اصولی آنست.

هستند". عمده‌ترین انکال روشنفکران در این زمینه این بود که هیچگونه تلاشی جهت توضیح و توجیه خواستهایشان و نیز شرح بودن آنها برای قدیمی‌ها و حطب اعتما دوستی‌هایی آنان نمی‌کردند. مسئله قدیمی و جدیدی چیزی بود که از همان روزهای اول مطرح شد و اعمال جدا از کارگران روشنفکران، آنرا در این زده و تشدید می‌کرد. حرکت‌های دسته جمعی ولی جدا از بقیه کارگران رفقا رفتن پیش نماینده برای اضافه حقوق، رفتن پیش کارفرما برای گرفتن تعطیلات تا بستنی و... جو کارخانه را مشتج کرده بود و کارخانه دیگر حالت سستی و سکوت قبلی را نداشت. در این میان جبر روی عده‌ای از رفقا، باعث تفرقه بیشتر شد، و آن بخش اعلامیه‌هایی بود که در آن شورا را محکوم کرده بود. این اعلامیه بدون در نظر گرفتن شرایط، بدون افشای لازم و کافی شورش را که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق کارگران بود، فدای کارگری و همدستی کارفرما می‌نماید. یکی دیگر از برخورد‌های چپ و نادرست رفقا، برخورد با انتخابات شورا بود. زمانیکه شورا بعلت بی اعتبار شدن و شناخته شدن عناصر ضد کارگران قصد تجدید انتخابات را داشت این رفقا بکنفران از میان خود معرفی کرده و بی توجه به خواست و نظر کارگران قدیمی که با این جریان مخالف

نداشتند درک و دید درستی از کار درون جنبش طبقه کارگر و نیز کمی تجربه و... در کارخانه نیز بجای بسیج و تشکل کارگران بمنظور پیشبرد خواستهای منفی - سیاسی آنها، خود به تشکلی و بجای آنها به مبارزه دست زده و چون از حمایت کارگران برخوردار نشده‌اند تلاش‌هایشان به شکست انجامید. تجارب و تجربیاتی که در این زمینه بدست آمده، میتواند به آندسته از رفقا که به امر تماس با جنبش کارگری و توده‌های همت گمارده‌اند، کمک زیادی بنماید. گزارش زیر که یک مورد از اشتباهات رایج را مورد بررسی قرار داده، به همین منظور درج می‌شود.

بدنبال روی آوری روشنفکران انقلابی به کار سیاسی توده‌ای در کارخانه‌ها، تعداد زیادی از این روشنفکران نیز به کارخانه‌ها آمدند. ضعف تصوریک، کمی تجربه، نداشتن درک درستی از کار میان کارگران که در تمام رفقا عمومیت داشت و نیز بدلیل نبودن اغلب آنها در یک تشکیلات منسجم که به اشکالات و ضعفهای آنها برخورد کرده و خط درست را نشان دهد، اشتباهات آنها را تقویت کرد. تا به اخراج آنان و گذاشتن نا شیرنا درست روی بقیه کارگران منجر گردید. جو عمومی کارخانه ما عقب مانده بود و کارفرمای آن طی سی سال استمنا بطوری رفتار کرده بود که عده زیادی از کارگران قدیمی او

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ارتجاع از خوف زحمتکشان نمایندگانشان را می‌باید!

کارگران و زحمتکشان ما را
بیکار رهمچنانگه تا کنون نشان داده، با
افتخار آماده است خواهشها و مبارزات
شما را درصحنات خود منعکس نماید.

صمیمی کرده (۸) بیان می‌کنند، در این روزمستهل
حقوق کارگران کطبی تا نون خود این دولت باید
روزی ۶۷۷ ریال با تنویکی از خواسته‌های اطمینانی
کارکنان بود و از طرف عوامل دولتی مورد مخالفت
قرار می‌گرفت، بنویس کردید، معگریه بنمایند -
کان می‌گوید که شما را همه این کارگران دل می -
سوزاند، اینها همان کسانی هستند که درها
رشدگی کرده‌اند، برایشان زیاد دفری می‌کند که
خطور به زندگی ادا می‌دهند، فرزندان محفل آنها
سزا به دروزی ده کیلومتر بیادها تا مدرسه طی کنند،
تا ندر همان را در آسوده بداند !!

عسکره گده دیگوز سدا انقلابی ما با نه خود را از
پست داده است و کاملاً در مقابل خواسته‌های بحق
کارگران ایستاده، دست به توطئه دیگری می‌زند.
کارگران و کارمندان که در پی ایجاد شورای خود
بودند با مخالفت عوامل دولتی و معگریه روبرو می -
شوند تا آنجا که سند مصطفوی (از اعضا) چها سازندگی
در کشت و صنعت (می‌گوید: نورا چیست؟ الان تمام
ارگانهای سیاسی مردم روغن است چون دولت
دیگری سخ مردم کار میکند!! و دیگر احتیاج به
ارگان‌های مردمی نیست و در نهایت حرفهای مصطفوی
مدیر عامل (معگریه) ناکام می‌کند ما ها که استجا
سنه ام خود نورا هستیم و احتیاج به تشکیل نورا
نیست، ما وجودیکه عوامل دولتی و معگریه وعده
طبقه بندی منافع را بکارگران می‌دادند، اما
معگریه ما به، محرمانه‌ای که به ما ریخ ۵۸/۱۱/۱۷ از
طرف سیاسی (وزیر سابق کتا و روزی) نوشته شده است
نشان می‌دهد که در آن دستور صریح به معگریه داده است
کدها تعیین تکلیف وضع شرکت از طرح طبقه بندی
منافع کارگران جلوگیری نباید!
با وجود مخالفت اینان، انتخاب نورا ها در
واحدهای کشت و صنعت انجام گرفت، بعد از انتخاب
معگریه و سایر مرتجعین بدست ویا می‌افتند، معگریه
از میندین و تکلیفین های کتا و روزی دعوت میکنند
بقیه در صفحه ۱۴

گزارش بر طرف گروهی ارکارکنان کشت و
صنعت دشت نشان که ما بعدگنان سوسیلده عوامل
ارتجاع به نظر خاشا نه‌ای ر بوده شده بدویا تا ریخ
۵۸/۱۱/۲۵ هیچگونه اطلاشی از آنها دست نیامده برای
بیکار و فرستاده شده است.

زیودن و کتنن نمایندگان و حیران کارگران و
زحمتکشان ایکه دارده سیاست رژیم جمهوری اسلامی
تبدیل میشود، کتا رحتا بیکار را ندر همان دلاور خلق
شرکین، ارتقا می‌دهد و ما، مخصوصاً، واحدی و جراحی
و زیودن نمایندگان کارکنان کشت و صنعت دشت
معان، نمونه‌هایی از این سیاست ضد خلقی را
نمایش می‌کند: برای
یکوسیم این سیاست خاشا ندر ا هر حد بیشتر
برای خلفهای نیز ما همان افتاء کنسم.

در کشت و صنعت دشت نشان چه می‌گذرد؟

مدیر عامل شوربور (مدیر عامل قبلی کشت و صنعت
دا میروزی معان) که با همه دودوز بازی و خوش -
رقمی بدولت نتوانست در منصب خود باقی بماند و
بجای دیگر استقال یافت، معگریه رئیس جها دار -
ندگی آذربایجان شرقی یکی از کردارندگان مجاهدین
انقلاب اسلامی است ما حفظ سمت به مدیر عاملی کشت
و صنعت دشت نشان انتخاب کردید. معگریه که در
سیر بر تحمل اداره، چها سازندگی را بصورت شورائی
قبول نداشت و طی مخالفت خود با این امر باعث
بگفته اعتصاب و تعطیل تمام کارگاههای جها در
استان آذربایجان شرقی شده بود، این بار با حفظ
سمت رئیس چها سازندگی، سر از دشت نشان در آورده
و مدیر عامل کشت و صنعت گردید!
معگریه با زسته‌های انقلابی ما با نه شروع به
نهادن عنا مرتزقی کرد ولی در برابر صف متحد
کارگران و کارمندان نتوانست دوام بیاورد و
ماهیت واقعی یعنی فدا خلتی خود را نشان داد.

در کرد همای که در تاریخ ۵۸/۱۱/۷ صورت می -
گیرد کارمندان کشت و صنعت خواستار مابه التفاوت
طبقه بندی منافع کده در تاریخ ۵۸/۷/۱ صورت گرفته
است می‌شوند، صبح روز ۵۸/۱۱/۱۸ کارمندان و کار -
گران در دفترها معا و ن مالی شرکت تخمین میکنند.
هما متهدید می‌کنند که اگر تخمین شما ادا می‌نماید
با ساداران این تخمین را اداغان خواهش کرد، کارکنان
روی خواسته‌های خود با فشاری کرده و ما تا ریخ
۵۸/۱۱/۲۲ به مدیر عامل فرصت می‌دهند. کارگران
و کارمندان در روز ۵۸/۱۱/۲۲ دوباره جمع میشوند و
خواسته‌های خود را بصورت قطعیانه‌ای که به پیوست

ملا همه روزه جلوی کارخانه ایستاده و سعی میکنند
با اعتراض بداخل کارخانه بفرگردند، مناسجه به
ظلمت رما رجا از کارگران این رفا، عوامل مدور
کار رما براحسی از کارگران امضا جمع کرده و آنها
را اراج می‌نمایند! این عده پس از چند روز در
استادن و جلوسوسن کارخانه رفتن، سرانجام با
رهمانی ای که در کارخانه رگره آنها می‌نود تصمیم
می‌گیرند که از طریق بحر اعلامیه در میان کارگران
داح کارخانه خود را سوض وضع خود، بنمایانسی
و نظر کارگران را سوسی خود جلب نمایند، بلانیهای
گواگون این رفا، حسی تا سکل مجمع عمومی و
نصرانی سزای کارگران بنسجه، طنوب نمی‌رسد
و همچا شخصی از کارگران با سازکت آنها مخالفت
می‌کند، سر آمدی سدادی از کارگران بدریخ
سجید داده و به کارخانه سز می‌گردند و بنسجه سز بعد از
استعفا، بنسجه حساب می‌نمایند.

☆ ☆ ☆

سزای از روسنگران انقلابی جامعه، ما اگرچه
با سدی سز رسدن می‌جویی با آن مرتزقیندی
صود و سدی سوده‌ای انقلابی روی آورده، اما از
آجا که سز سبی سوا سندی س و کارسان سادرس
خود را سبده صحیح کسند، در عمل به سز خود های سز -
سوده‌ای و ارشالی خود ادا می‌دادند و سز می‌کند
و انما سزگر آن می‌نماید، انسکه ر سوده‌ها نیز
با د آموری سز سز.

ما ادا سزگرو سزگران ما همچان سادید سجات
سجسده سوده‌ها سمان آن سز رسدن، نمی‌شوان
آبیا را سز سبی سوده‌ای انقلابی نام بیا د! آری
سزای از روسنگران ما درک درسی از می‌شود -
ای انقلابی سز رسدن و سبک کودکی حشس کمونیستی
سادمسها سغانای سس حرکی (خدا از سوده) در میان
آبیا سز می‌خواهد ما سدا، اس امر با آموزش سوده‌ای
انقلابی و محک ردن آن در عمل سبیر خواهد یافت.
سز سبی سبی سبی است که این رفیسا از
سزای ورود سز به کارخانه، ما دست به اعمال جدا
اربا سز کارگران زده و سوجال و راضی سوده کسند
سز می‌ارخوف و سبی سوس را دست آورده اند!

دور سوجه به انسکه سغانی سبن خود و کارگران
ندیمی سوجه آورده اند، آبیا بجای سز کردن سگان
مدکور از طریق سس سب کارگران ندیمی سز خورد
مدن آبیا و احما کارخانهای و توطی و کسب
انسا د آنها، مبارزه، جدا از دیگران خود را شدت
سجسده و معنقد می‌نماید که مبارزه آنها دیگر کارگران
را سبزا که خواهد سمود و آنها را نیز به مبارزه خواهد
کشانند. این همان تصور باطل و سبیه‌های بود که
سیروان می‌جویی نیز بدان معتقد بودند. اما
هما نظور که بی تفاوتی سوده‌ها نسبت به می‌جویی،
خودیکی از دلایل نادرستی آن بود، در اینجا سب
بی تفاوتی کارگران تا غل نسبت به اراج آبیا و
حتی در مواردی مخالفت با سازکت آنها، نادرستی سبش و
اعمال آنان را طی ماهها کار در کارخانه‌ها سز سز
این رفا توجه نمی‌کردند که پیشا هنگ و انسی
با بدیا حرکت از وضعیت سوده‌ها و سز سز آبیا ر آنها
بقیه در صفحه ۱۴

- (۸) - بعضی از خواسته‌های کارکنان کشت و صنعت
دشت نشان که در قطعیانه آنها درج شده عبارتست از:
۱ - افتای افرادیکه وابسته به رژیم سابق بوده‌اند.
۲ - تعقیب افرادیکه در استکا رژیم سابق نقش
فعال داشته‌اند و حالا با ریش و سبیح سز -
لوی اسلام دست به توطئه می‌زنند.
۳ - رسیدگی به بیرونده‌های یک کارکنان شرکت و
افتا و تعقیب غارتگران سبت الجمال مردم.
۴ - پرداخت مابه التفاوت حقوق کارگران از اول
سال ۵۸ بر منضای ۵۶۷ ریال.
۵ - اجرای طرح طبقه بندی منافع کارگری و صدور
احکام آنان.
۶ - مدور دفترچه‌های خدمات درمانی برای کارکنان
۷ - پرداخت مابه التفاوت حقوق کارمندان سز
اساس احکام مادره.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

حرفهای زحمتکشان از ثریات زحمتکشان



درافشای رژیم

شماره ۳ "بیک بوش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه بوش، اخیراً بهصورت مضمیمه‌ای منتشر شده است. در مضمیمه این شماره کارگران مبارزه افشای تعدادی از عناصر ضدکارگری و وابسته به رژیم سابق برداخته‌اند. این افراد که با مبارزات کارگران از این کارخانه اخراج شده بودند، اکنون برپستیهای دیگری کسارده شده و در باره‌های موارده حتی شرفیع و پاداش (۱۱) نیز گرفته‌اند. در زیر قسمت‌هایی از مضمیمه این شماره را نقل میکنیم. ابتدا به اسامی افراد مذکور توجه کنید:

— مهندس جزایری: مدیرکل سابق قسمت حوله و بلوجین، که در موقع انقلاب میخواست کارگران را اخراج کند ولی با مقاومت و مبارزه کارگران رنگ — رزی حوله مجبور شد حرفش را پس بگیرد. وی بعد از اخراج از کارخانه مدیرعامل "کارخانه نازخ" شد. در آنجا نیز کارگران نازخ با مبارزات خود او را بیرون کردند و حالا مهندس جزایری مدیرکل وزارت کشور است. او با نژادی بعنوان نماینده وزارت کشور در شورای عالی حل اختلاف وزارت کار شرکت کرده است. او بخاطر ضدکارگری، حیث و میل، موالف و سب و است با مقامات کارها و عدم ملیت ۱۱۴ هزار تومان "پاداش"

گرفته است!!

— مهندس نبی نجیان: مدیرعامل سابق ریسدگی. او در زمان اعتصاب به ما میگفت "کاری نکنید که درش ویلیس را به کارخانه بیاورم". ادا راه کار رسد او ۱۲۵ هزار تومان پاداش داده است!!

— درگی: رئیس کارگزینی و ما مورسا واک، او جماعتی که زاندا رما را برای درهم کستن اعتصاب و مخون کشیدن کارگران دعوت کرد، کسی که به دختران کارگر چشم داشت، یکی از کارگران میگفت: "هنا نظور که آدم دم موش مرده را میکشد و میاندازد زدنوی سطل آشغال، ما هم "درگی" را گرفتیم و بیرون انداختیم" با این وجود، حکومت جمهوری اسلامی به درگی ۸۵ هزار تومان پاداش داده است.

— شیخ بیانی: مدیرعامل سابق کارخانه. او نماینده مالی کارفرما بود و بخاطر خدمت به سرمایه — داران و ضدکارگری، ۸۲ هزار تومان جایزه گرفت و هم اکنون مدیر مالی کارخانه "نازخ" قزوین میباشد.

— دکتر نیرسوار: مدیرعامل سابق کارخانه نجات بوش، هم اکنون مدیرکل نساجی سازمان کسترش و نو سازی شده است.

— مهندس عمید: رئیس سابق بافندگی حوله، اکنون

مدیرعامل یک کارخانه دریا و شده است. این خفل از طرف سازمان صنایع و معادن به اوداده شده است.

— مهندس کا تویان: رئیس سابق این شرکت، اکنون از طرف صنایع و معادن رئیس یک کارخانه شده است.

این آقایان را ما با مبارزات خود بیرون کردیم ولی از طرف حکومت جمهوری اسلامی به آنها مقامی یا لاشری داده شده است. دادن این شغلای مهم و مقامی دولتی نشان دهنده این است که حکومت جمهوری اسلامی برخلاف ادعای خود که میگوید حامی مستضعفین و زحمتکشان است، حامی سرمایه داران و دزدان و نوکران آنها میباشد...

حکومتی که ادعای دفاع از زحمتکشان را میکند، چرا در اس کارها عوامل سرمایه داران وابسته به امپریالیسم را میکند؟ در مقامی شایسته، خطاب زاده، جمران، صاغبان، طاباطبائی و مدیروا منال اینها.

پس این حکومت نمیتواند مدافع حقوق کارگر — ان و زحمتکشان باشد.

حکومت مدافع زحمتکشان حکومتی است که در رأس آن نمایندگان کارگران و زحمتکشان باشند.

کارگران مبارز!

هما نظور که سرمایه داران سعی میکنند برای حفظ منافع خود و دولت و حکومت خود را بکندارند، ما هم باید خواهان حکومت کارگران و زحمتکشان باشیم و با آنها دخود با شکل دادن به مبارزه خود و با مبارزه در راه نام حکومت کارگران و زحمتکشان را بوجود آوریم تا با نژاد، اسم، و با برابری را برای همه از جا بده خود ریزندگی کنیم.

مرکز سازمان سرمایه داری و اسد بیورسار مبارزات کارگران و زحمتکشان

جاسوسان باند المراقبون در میان کارگران بیکار کرج!

دومین شماره بیک کارگران بیکار در نیمه دوم بهمن ماه انتشار یافته است. در این شماره مطالبی تحت عنوان "هدف از انتشار نشریه" مبارزه کارگران بیکار علیه اخراج بیکاری، "حکومه شورای انقلاب به نفوذ لایهای افغانی کمک میکند"، "جاسوسان بانسند فاشیستی المراقبون در میان کارگران بیکار کرج" و نیز چندتا اعلامیه و خبر کارگری درج شده است. در زیر مطالبی از این شماره نشریه را میخوانید:

"مدتی است که باندی بنام المراقبون در کرج تشکیل شده است، این دارودسته که بقول خودشان برای مبارزه با آمریکا به آموزش نظامی افرادی — بردارند ولی در حقیقت کارشان این است که علیه نیروهای مترقی و بخصوص کارگران تحریک و اعمال ضد انقلابی بکنند. از جمله کارهای این باند ضدکارگری: باره کردن اعلامیه‌های کارگری و نیروهای مترقی که بر روی دیوار نشریه نصب میشود، تنها اعلامیه‌های حزب جمهوری اسلامی محفوظ میمانند. تا زگیها نیز افراد خود را بمیان کارگران بیکار و کرج که در کارهایی جمع میشوند

مبفرستند تا برای فرمانداری جاسوسی نمایند در آ خر نیز با بدخاطر نشان کنیم که تمام این جریان تحت رهبری فرماندار انجام میشود. با نژاد... نمی فهمید که ما کارگر — ان و زحمتکشان رژیم شاه شاه را با ما وک ۷ هزار نفری این نبود کردیم، ما نژاد... المراقبون را هم به همراه سیستم سرمایه داری و وابسته به گورستان تاریخ میفرستیم.

"باز هم کارگر فدای منافع سرمایه دار"

"بنجمین شماره فربا دزورآباد نشریه گروهی از کارگران و زحمتکشان تپه زورآباد کرج اخیراً انتشار یافته است. در این شماره مطالبی تحت عنوان "تظاهر ات کارگران بیکار کرج و حمایت زحمتکشان زورآباد از آنها"، "آلونگیهای بالای تپه"، "قطب زاده هم عابد شده"، "کارگران، زحمتکشان بیدارند، از هر دو حزب بیزارند" و "باز هم کارگر فدای منافع سرمایه دار" آمده است. ما مطلب آخری را از این نشریه در زیر نقل میکنیم:

باز هم ما جمعه دیگری برای یکی از دوستان کارگر بوجود آمد. ما این کارگر در کوره پزخانه کرج کار میکرد زمانی که آنها را از روی نوارها و کامیون میکردند، نوار بعلت بوسیدگی یا رنده و روی سر این رفیقمان

می آمد. وی در جا کشیده می شود. با این سیستم خانوادگی بی سرپرست، کارگری حار سیرد. سرمایه دارها برای ما کارگران و زحمتکشان با عداوت سرزنی هم از بی فایده هستند. ما مثل جکی سدان یا... در دست آنها همس، به زدگی ما را نشان نم است نه زن و بچه مان. با وقتی جان داسه ما اسم از ما کار میکنند، وقتی هم نتوانیم مثل مغاله بیرون نشان می کشند. برای آنها میمنت است که زور بوسند اکریا ره خود جدا جدا می آورد. برای آنها این مهم است که از این نوار بوسنده بگورن کنند استفا ده بگردند. حال اگر سوار باره تندو کارگری کشد شدیم نیست، بیکرک دولت حامی خودمان، میلیسویا بیکار وجود دارد که با مزد کمتر جایش را میکشد و بیکرک همان دولت، این جناسات حادثه نمرده میشود. اینست نظام سرمایه داری وابسته. ما این نظام را از این حوادث زیاد است. فقط دریا به دولت کارگر — ان و زحمتکشان، یعنی جمهوری دیکر انیک خلس است که دیگر نخواهند گذاشت که کارگران فدای منافع سرمایه داران شوند. فقط در چنین حکومتی است که در آن سرمایه داران به چپا رمنخن میکنند و ما نوار ه کارگر تا آخر عمر ما بین خود هدیه بود. در چنین دولتی است که روز بروز قدرت سرمایه داران کمتر و کمتر خواهد شد.

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

خلق‌ها و مسئله ملی



چرا ما درستاد مشترک نیستیم!

علامه زبیرا حورده، نوساز زمان در رابطه پنا
ریستگری فسرأ عولی رفتای فدائی (درستادسندج)
سرمیونفکتری حصماً به حزب دموکرات نسبت به
کدام زمان ما درستاد مشترک سسریموده که ما
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -

شده است. این حزب را هم و دلاوری بار دیگر
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -

موانع و احوال ما آرا بوظیفه نما می
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -
بسیار از این درستی و نماند و خلفای غیرمان -

بعد از ظهرها نروزنمانده سا زمان ما نتوانست
در جلسه ای که در دفتر حزب تشکیل شده بود شرکت
نماید. عدم شرکت ما در این جلسه فرصتی میشود
برای "حزب" تا با ردیگر مطرح نماید که حاضر نیست
با پیکار درستاد مشترکی شرکت نماید. بعد از این
جلسه درها نروز و نروز از رفتای ما همراهِ رفیق
مسئول کومه له به دفتر "حزب" رفته و خواها ن شرکت ما
درستاد میگردد و مطرح می نماید که ما حاضریم با
شما میروشی که در اختیار را ریم (هرچند کم) در امر
نگهبانی و گشت شبانه و مقامت در شهر سقز همکاری

نما شیم. مسئول حزب در پاسخ میگوید که: ما بدستور
کمیته مرکزی بهیچوجه نمیتوانیم با پیکار همکاری
کنیم. رفیق مسئول "کومه له" روی ضرورت شرکت
ما و وحدت نیروها تاکید زیادی میکند. مسئول حزب
سراخام میگوید که لاکه اینطور است ما و جریکها ادغام
میشویم و یک قسمت از شهر را اداره می کنیم و کومه له و
پیکار هم که یکدیگر نزدیکتر هستند قسمت دیگری از
شهر را اداره کنند. نما بنده ما غلط بودن این طرح را
توضیح میدهد. در آخر قرار بر این میشود که اطلاعیه
ستا د مشترک موقتاً تکثیر و پخش نشود تا مسئول حزب
با افراد دبا لاشما می گرفته و نتیجه را روز جمعه اطلاع
دهد. اما در کمال تعجب غروب هما نروز در حضور
شعادی از مردم خبر تشکیل ستاد ازینک بلندگی
دفتر کومه له پخش میگردد. این عمل خود خلاف توافقی
بود که در دفتر حزب صورت گرفته بود که مورد اعتراض
ندید نما بنده ما قرار میگیرد. بعد از زحمت و گفتگوی
فراوان مجدداً قرار بر این میشود که شب در مسجد جامع
در حضور مردم خبر تشکیل ستاد بوسیله نیروهای
سای - نظامی مترقی مطرح گردد. بدون اینکه
تا می از تشکیل دهندگان آن برده شود. تا روز جمعه
در گفتگوی دیگری جریان امر بیشتر روشن میگردد.
روز جمعه ساعت ۴ بعد از ظهر در دفتر حزب دموکرات
جلسه ای با شرکت نمایندگان (کومه له - جریکها -
حزب او یا حضور دونفر از رفتای ما تشکیل می گردد که
در این جلسه نما بنده حزب نظرات همینگی خود را
تکرار می کند. نما بنده فدا شیا سعی می نمود با
بیش کشیدن بحثهای انحرافی موجودیت ما را به
گونه ای زیر سوال برده و نظر خود را به شکلی مطرح
می نمود که عملاً به عدم حضور ما درستاد مشترک گردد.
نما بنده کومه له نیز علیرغم صراحتی حضور ما بر -
خورد جدی و قاطع با این امر نکرده و سرانجام به
دنیا له روی از حزب کشیده شده و چنین می گوید: اگر
شما هم درستاد مشترک نباشید ما این ستاد را تشکیل
خواهیم داد.

مردم مبارز سقز! این بود مختصری از آنچه که
در جریان ستاد مشترک گذشته است. ما با مطرح نمودن
موضع خود در قبالت تشکیل این ستاد شما را به دآوری
و قضاوت در این مورد فرا می خوانیم: از نظر ما عدم
مواقت حزب نسبت به حضور ما درستاد دبا توجه به
ما هیئت این حزب امری واضح بوده. چرا که این
حزب همواره سیاستهای سازشکارانه اش را دنبال
نموده است و بطور مشخص مواضع اخیر این حزب در
جهت سازش با هیئت حاکمه و رئیس جمهور جدید و نهایتاً

اعتراض دانش آموزان کرد

به سخنان بنی صدر

مهاباد

روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۸ بنا به تصمیم مجمع دانش -
آموزان (شورای دانش آموزان) مدارس شهرستان مهاباد،
دانش آموزان این شهرستان به اعتراض به سخنان
شب گذشته بنی صدر، رئیس جمهور، دست به یک راه -
پیمایی زدن. شعارهای دانش آموزان عبارت بود از:
بنی صدر فریبی بگیر، ما تجزیه طلب نیستیم
مرکب آمریکا، دشمن اصلی خلق ما
نظا هر کشتگان سپس درمید، ن قاضی محمد جمع شده
و چندتن از اعضای شورای دانش آموزان در مورد
سیاست کنونی دولت در برخورد به مسئله کردستان
سخنرانی کردند. دانش آموزان در حالیکه شعار می -
دادند ما تجزیه طلب نیستیم، ماصح طلب هستیم،
بشتر بیج برآکنده شدند. ■

پشت کردن به منافع خلق کرد، حکایت از ما هیست
این حزب می نماید لذا این موضع حزب را در مقابل
سا زمان ما که راه را برای هیچگونه سازشکاری
هیئت حاکمه باقی نمی گذارد و خواها ن مبارزه فعال
و واقعی بر علیه دشمنان خلق کرد می باشد طبیعی
می دانیم. در اینجا نیز حزب منافع واقعی توده ها را
فدای منافع حزبی خود می نماید. در اینجا سوال
ما از کومه له این است با وجود اینکه معتقد بودند که
سا زمان ما بیستون یک سا زمان مترقی می و
انقلابی بایستی درستاد مشترک حضور داشته
با شویا وجود اینکه ما هیئت حزب دموکرات و حرکات
اخیرش به خوبی برای رفقا روشن گشته بود، ولی
عملاً عدم شرکت ما را به شرکت حزب دموکرات در این
ستا د ترجیح دادند. ما در مورد شکل فدا شیان خلق
در سقز:

موضع التقاطی و بیسیابینی و غیر اصولی که این
رفقا در جریان تشکیل ستاد داشتند، بهیچ وجه جدا
از مجموعه سیاستها و موضع گیریها ن چه در کردستان
و چه در سایر نقاط ایران نمی باشد. همانگونه که
ذکر شد، نما بنده فدا شیان سعی می نمود موجودیت
ما را به گونه ای زیر سوال برده و در جهت عدم شرکت ما
در ستاد حرکت نمایند. بلبه، برای این رفقا بسا
توجه به خطا ثل خود مرکز بیسیابینا نه رهبری طلبا نه ثا ن
همواره مسئله سیاسی صرف وجود خودشان می توانست
معنا داشته باشد... تلاش در جهت وحدت انقلابیون
برای این رفقا هیچ مفهومی نمی توانست داشته
باشد. همانگونه که ذکر شد موضع اخیر این رفقا جدا
از گرایشها و انحرافات این سا زمان چه در رابطه
با مسئله هیئت حاکمه و چه مبارزات انقلابی خلقها
و چه در رابطه با زمانها و نیروهای انقلابی نمی -
باشد. بطور مثال در جریان تحمن مردم مبارز سندج
نما بنده این سا زمان در حضور تعداد کثیری از مردم
بدون اینکه ذراتی احساس مسئولیت کنند... سا زمان
ما را در ردیف "سپاه زرگا ری" قرار داد و ما را نیروی
ضدمردمی خطاب می کند. ■

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک

بقیه از صفحه ۸

کک رسانی ...

میرا ندبا آمدن بمحل جا در این توطئه را احسنی میکنند، روز دوم و سوم ورود اکبب، بنا به باسداران و جفا داری و زندگی با ها و رکرانست بد می آیند و با کمک شیخ به طرح توطئه علیه اکبب مبادرت میکنند. در تمام این مدت مردم روستا از کمکهای درمانی اکببها استقبال کرده و هر روز به گروه دانشجویی نزدیکتر میشوند و اکبب در ارضیات با آنها بافتاری وضعیت شیخ که در سگیش براساس استقامت روستا ثبات است می بردا زند (توضیح اینکه در منطقه خوزستان در زمین کسا و وری آبرسانی عمده ترین مسکلیل زحمتگان است و این وسیله در طوفانیه و حفاظ دیگر در دست شیوخ می باشد).

روز بیجم ورود اکبب حدود ساعت ۲/۵ که اکبب بزنگی بین از کک رسانی به روستا های اطراف بمحل جا در خود در طوفانیه بر کسه بود یعنی بن از باسداران که یکی از آنها صلح بود با عوامل شیخ که نیلا ما هم قرار گذاشته بودند و یکی از برترندان شیخ که در شیر زندگی میکند بمحل اکبب آمده و با طرح مسائل مخره - ای اراکبب میخواهند که در ترک کنند. آتیا در نا شیدا بکه مردم اکبب را نسجوا هدیه به هسان عواملی که همرا خود آورده بودند، ناره کرده و آنها بیزیر میگرد که اکبب را نسجوا هم مردم ده که کم کم از مسئله ما حرسه بودند اطراف جا در جمع شده چند نفر از آنها بمحل باسداران و عوامل شیخ اعتراض میکند. باسداران بین از عوامل کردن اینکه ما محسور قانونی نداریم و شما ممکن است مردم را بکشید و... و گرفتن جواب دیدن بکن از طرف اکبب حرب آخبر خود را میزند و میگوید که ما برای با کسا وری منطقه آمده ایم و شما را بپرمورت بیرون میکنم. آنها تهدید می کنند که اگر ما نماندیم ممکن است دسار جاده شویم و با تحریک عوامل شیخ اکبب در همان اندوه روستا ثبات منطقه را ترک می کند!

(این گزارش توسط اکببی که از طرف کمیته آمده است، دانشجویان هوادار روستا ریزه روستای طوقا شده اعزام شده تهیه کرده است.)

از معلمین متخصص درسراوان پشتیبانی کنیم

سنگیل شورا نیز شرح ذیل اعلام گشته است:
۱ - کمیته تخصصی و رهبری گه از افراد کلا مورد اعتماد و دبیران سنگیل می باید بصورت شورای وقت آموزشی رهبر را برای سنگیل شورا های آموزشی بختیاری تا به دبیرستان آماده می نماید و این شورای وقت هم با دبیران انتخابات و استقبال اداره آموزش و پرورش به شورای واقعی نظارت و کنترل داشته باشد و با تدوین از سنگیل شورا آموزش و پرورش این کمیته بخودی خود مسلح خواهد شد.

۲ - تعداد اعضاء شورا از ۹ نفر تشکیل میشود که ۳ نفر آنها نمایندگان شورای معلمین از ۳ بخش و ۳ نفر آنها را معلمین دبیرستانها و مدارس راهنمایی و دبستانهای شهر و بخش حومه و ۲ نفر آنها نمایندگان شورای دانش آموزان و یک نفر آنها را نمایندگان کان شورای کارمندان اداری تشکیل می دهند.
۳ - سوابق افراد انتخاب شده از جانب شورا - های مدارس و معلمین، مجدداً از طرف شورای وقت مورد تحقیق و ارزیابی فرار می گیرد، در صورتیکه هیچ نوع سوابق نداشته باشد یا تئیه شورای واقعی آموزش و پرورش راه می یابد.

۴ - این امر را بدین جهت که انتخاب می شوند اما چنانچه مورد قبول نصف علاقه یک اعضاء شورای معلمین بختیاری و شورای معلمین شهر حومه واقع شود خارج و یکی دیگر از افراد مورد اعتماد بختیاری معرفی می شود.

از کلیه نیروهای مرفعی منطقه می خواهیم با پشتیبانی خود از معلمین متخصص، از خواسته های مرفعی آنها که خواست همه ما است دفاع نمایند.
(نقل به اخبار از نشر دیلوج شماره ۱۳)

در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ عده ای از معلمین بختیاری "حالی سراوان در اداره آموزش و پرورش این شهر متحن شده و خواسته های خود را شرح و اعلام دادند:
۱ - آموزش و پرورش از طریق شورای (دبیران، آموزگاران، کارمندان اداری) اداره کرده.
۲ - نصیبه آموزش و پرورش از کارهای شاخه شده و کارمندان کم کار و مواضع به ریزیم سابق.
۳ - لغو ابلاغ نماینده آموزش و پرورش.
در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۶ شورای دانش آموزان دبیرستان انصاف از متخصصین پشتیبانی کرده و در اطلاعیه ای بر کساری نماینده انتخاباتی بختیاری را نیز محکوم میکند. در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷ در ساعت ۹ صبح شورای دبیرستان های شبرستان سراوان به اتفاق عده ای از دبیران در دبیرستان بلوچ تشکیل جلسه داده و پس از بحث و تبادل نظر پشتیبانی خود را از معلمین بختیاری اعلام می دارند.

از معلمین متخصص در سطح وسیعی حمایت بعمل آمده که از آن جمله اند:
دستان ساکان - گروهی از دانش آموزان - دانش آموزان دبیرستان انصاف و واحد آموزشی بنیاد سراوان - معلمین دستان بزرگ - سروای دبیرستانهای شهر سراوان - دستان اسیر کبیر سرخو - معلمین آموزشگاه کهن ملا سوران - دبستانهای پورنی بختیاری - دستان براندختان دستان رستگان - دستان کومو - اتحادیه جوانان ساروخان.
متخصص در آموزش و پرورش طرحی سبز برای احداث دورا ارائه میدهند. در این طرح ضمن آنکه احیای آب و هوا با شور و شهنشاط انتخاب شوند. کان و انتخاب کنندگان متحن گردیده، حکومتی

در کانون مستقل معلمان چه میگذرد؟

نوده ای ها که بعد از خواب سگین چندین و چند ساله خود، بسا از با میگویند مردم ایران و برکت آن از سورا خپاشان بیرون خریدارند، بهر گجا که باستان بر سر خرابکاری می کنند، بهمه جا سرگ می - کنند، اکنون محافل و مجالس مختلف در خطر آلودگی این حزب درار دارند. اگر هم مستقیماً نتوانند بعنوان "نوده ای"، در اینگونه شکل هاراهیا بند، بیروس همبستگی خود یعنی جاسوسی روی می آورند و از طریق فرستادن جاسوس به خرابکاری در این مجامع می - پردازند.

"کانون مستقل معلمان" نیز از جمله اسبب شکل هاست که از آلودگی این میکرب هادر امان نمانده است. آنها که بعد از خدشها این دروآن در زدن نتوانستند کانون را به گجراه ببرند، بتدریج عده ای نا آگاه هاراهم بدنبال خود به "کانون صنفی معلمان" کشا شدند.

نوده ای ها مخالف حرکت های سیاسی کانون مستقل بوده و صرفاً خواهان فعالیت صنفی معلمان بوده و هستند. آنها حتی از این که در اسامیه "کانون مستقل" مبارزه با ارتجاع در کنا ر مبارزه با امیر - بایلیسم آورده شود، وحشت داشتند!

از سوی دیگر فدا ثبات با اتحاد "سازمان معلمان بیگام" معلمان را بسوی فعالیت صرفاً سیاسی سوق دادند. ولی با اینکه نوده ای ها از راست و فدا ثبات "ار" چپ "ناکانون مستقل به معارضه برخاسته بودند و طاهراً از دوسو در مقابل کانون فرار گرفته بودند، لکن بیگام انتخابات کانون، با یکدیگر دست به اشتغال زدند!!
عدم شناخت و مرز بندی قاطع فدا ثبات با سازمان روز بیویستنها برای عقد چنین اتحادانه مقدسی کفا بیت میکرد. جریان این اشتغال بدین ترتیب بود که در انتخاب هیئت اجرا شیه کانون (مستگل از ۱۳ نفر) یک نظریه رایین بود که هر یک نظریهها به ۵ نماینده رای دهد، تا محور دیدگاههای گوناگون در هیئت اجرا شیه امکان پذیر باشد. لکن معلمان بیگام به تبعیت از انحصار طلبی خاص سازمان مادر، همراه با نوده ای ها (تعجب نکنید!) برایین بودند که هر نظریه ۱۳ نماینده رای دهد که با توجه به اکثریت آنها (بیگام + نوده ای) این نظریه پذیرفته شد. هما نظور که ملاحظه می شود، انحصار طلبی چیزی نیست که مخصن جریانهای ارتجاعی باشد. لکن آنچه که در اینجا باید متذکر شد، هندا ری است که فدا ثبات که بدین مارکسیسم و روز بیویسیم در نوساند و بی جهت نیست که روز بیویستنها نوده ای، بیروز کرا بختیاری نود در سازمان چریکیهای فدا ثباتی خلق را تهنیت گفته و بد می جنبانند. که این خود می تواند اعلام خطری برای فدا ثبات باشد.



حق تعیین سرنوشت،
حق مسلم خلق هاست

کمک‌رسانی نیروهای انقلابی و توطئه‌های عوامل ارتجاع

را حاضران و کارکنان کونا دربار که کمک‌رسانی نیروهای انقلابی بدلیلزدگان خوزستان و توطئه‌های عوامل ارتجاع علیه آنها)

"روستای قیضانیه کوچک" = ۵۸/۱۱/۲۷

اس روستا در مسرجا ده خلف آبا دودره کیلو - سری اهواز قرار دارد و در حدود ۴۰ خانوار در آن ساکن بوده. چراغ‌ها در دستور متوسط دارای ۱۰ فرزند است. در جریان سل در حدود ۵۵ خانه ویران شده و نزدیک به ۱۵ نفر زخمی و ۶۰۰ تا ۷۰۰ کوفتگی متحمل شده‌اند. زمین‌های روستا را همگان در زیر آبر قرار گرفته‌اند. در برخی نقاط بغلت ترکیدن لوله نفت، سوله‌های سل، اعلان‌ها، اسفاده نیستند. منظور عمده کمک‌رسانی استراحت گروه‌های دانشجویی در روستا است. داده‌ده و بیعت ۵۰ عده‌ها در از طرف سرور حور سید آبان داده‌اند. یکی از اهالی میگفت: از طرف دولت کمک موسری به ما نشده و وقتی که ما از سبانه‌ها می‌گفتیم که بیایید ما را کمک کنید ما نمی‌آیم. ما دانشجویان در روستای شما هستیم شما کمک نمی‌کنید. کیم السد خود روستا نیان میدا سندنده این فقط سبانه‌ها است. از ایصال وسائل و آذوقه خودداری کنند.

گفتگو بین روستائیان و یکی از افراد

"کمیته" در "چوم فرج"

در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۸ عده‌ای کمیته‌ای و افراد جدا سازدگی وارد روستا میشوند. حرکت آنها و پاسخ یک روستایی را به آنها کورس کنید: کسیدی - اس دانشجویان (بازر و هواداران سگارا کمونیست هستند. آنها را از زنده بیرون کنید. دولت به ساکنان کمک میکند، دیگر احیای به ایستن دانشجویان نیست. - سا حکار هستند؟

- ما ما مورد دولت هستیم. - سوک ما مورد دولت هستی تا حالا برای ما چکار کرده - ای؟ دولت که تو ما مورثی برای ما چکار کرده است؟ - ما چیزهایی را که شما میخواهید می‌نویسیم و بعداً برسانان می‌آوریم. - ما بحال مدیا را آمده بدون نوشته آید و نوشته آید. اما تا کیون شیخ کمکی به ما نکرده‌اید. شما فقط بلدید حرف بزنید. حالا که این دانشجویان هم به ما کمک میکنند به آنها می‌گوئید ما را کی و کمونیست؟ آنها تا بحال خیلی خوب به ما کمک کرده‌اند و ما از آنها را می‌خواستیم. (بمنقل از خبر سیل شماره ۲، نشریه‌ای که به همت دانشجویان مبارز روستا دانشجویان و دانش‌آموزان هواداران سازمان بیکار - اهواز منتشر شده است.)

خلف آبا

پس از اینکه پیش از یک هفته از جاری شدن سیل در خوزستان می‌گذشت و تا حدودی احتیاجات اولیه و بسیار ابتدائی روستائیان توسط مردم و نیروهای انقلابی و گروه‌های دانشجویی و کارگری برطرف شده بود در برخی مناطق روستا نیوان بنما بندگی از طرف مراکز دولتی برای می‌افتند تا با اطلاع بده مردم برسند.

روز ۵۸/۱۲/۱ یک گروه چهار نفره از روستا نیوان هم‌راه با نما بنده انقلابی مردم خلف آبا دینس نام طبیی که رئیس یک دبیرستان در خلف آبا دینس است هم‌راه تعدادی دیگر از افراد دولتی به خلف آبا دمی - آسید مردم که در چند روز گذشته از دستگاری دولتی فقط تبلیغات و سرور مدان نیوان شده بود با دیدن آنها به دورن حلقه زده و شروع به اعتراض میکنند مردم فریاد می‌زنند آنها را طبیی تمام کمک‌هایی که مردم برای ما می‌فرستند تحویل گرفته و بین فک و فامیلی تقسیم میکنند گریان گروه‌ها و دانشجویان و دیبله‌های بیگاریکنک ما بنیا مده بودند تا حالا از زمین رفته بودیم. شخصی دیگری فریاد می‌زد فقط موقع رأی گیری سرور کله‌ها این آقایان دولتی و آخوندها پیدا میشدند تا بعداً بده از اینهمه خونسه خرابی پلیستی بریم و رای بدیم؟

مردمی که چشم خود کمکی‌های بیدریغ دانشجویان و گروه‌های انقلابی را در روزهای سخت دیده بودند، مردمی که در روزهای سخت از دولت فقط تبلیغ و حرف شنیده بودند اکنون بحق فریاد اعتراض را بلند میکردند، جمعیت همچنان با فریاد دبه دور هیئت با زری روستائیان حلقه زده و هر کس سعی داشت تا آنها را به جای خود برده و وضعیتش را به آنها نشان بدهد، آخوندها که تصور نمی‌کردند با این وضع رویرو شوند برای فرار از خشم مردم به این بیانه که جلسه داریم قلمه فرار کردن را داشتند ولی مگر مردم آنها را راحت می‌گذانند. در این بین نما بنده قلابسی محل (طبیی) چایلو با نسا می‌گوشد تا اقدامات ناچیزی را که انجام داده بر رخ مردم بگوشد و شما از گروه‌های انقلابی و دانشجویان که بیگمک مردم آمده بودند بدگوشی کند، ولی مردم با گفتن این حرف‌ها که "اگر اینجا نبودند ما تا حالا مرده بودیم" تودهنی محکمی به این چایلو رسوا می‌نمایند.

آخوندها پس از آنکه می‌بینند نمی‌توانند از محل فرار کنند سعی میکنند با سخنرانی مردم را فریب

خوزستان در آب است "شورای انقلاب"

در خواب است - شوستر

روستائیان سلب زده "عقیلی" (X) و بازاریان شوستر سبوان اعتراض به عدم رسیدگی رژیم به وضع سلبزدگان روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۲۳ دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند. همچنین روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۲۴ هنگامیکه معین فروموسوی اردبیلی وارد شوستر میخوتد با اعتراض شدید مردم و روستائیان سلب زده رویرو می‌گردند.

آنها شعار می‌دادند: "خوزستان در آب است، شورای انقلاب در خواب است"، "مرگ بر شیورای انقلاب"، معین فروموسوی اردبیلی که وضع را چنین می‌بینند، تحت حمایت "پاسداران" محافظان از مرکز فرار کرده و به فرمانداری شیربرده می‌شوند. ■

(X) - "عقیلی" منطقه‌ای است در شوستر که دارای ۲۴ آبا دیست.

دهند آنها مثل همیشه روی منبر رفته و بر علیه نیرو - های انقلابی، لجن پراکنی میکنند و می‌گویند اینها اخلالگر و کمونیست هستند، تفرقه اندازند، جمعیت همگی فریاد می‌زنند: اینها شورچشان ما هستند، کمونیست با شنید ما مسلمان همه ایرانی هستند و ما مهربان و صمیمی هستیم و تا حالا ما خیلی کمسک کرده‌اند.

در ساعت ۷ شب همه شوز عده‌ای از اهالی شهر خلف آبا دینس تمام اکیب‌های مستقر در آنجا که توسط نیروهای انقلابی و مترقی اداره میشد رفته و می‌گویند که احتفال در راه شب این افراد قصد تحریک عده‌ای را برای حمله به شما داشته‌اند، شما مطمئن باشید که ما پشتیبان شما هستیم در ساعت ۹ همان شب یکی از دیبله‌های بیگاریکنک ما به جای دیگر نیروهای انقلابی رفته و می‌گوید که چند عکس کسی به جای در مساجد گذاشته و توهینت را فترا دارند و تصمیم می‌گیرند که همگی به نگهبانی و حراست از جا در مساجد بپردازند.

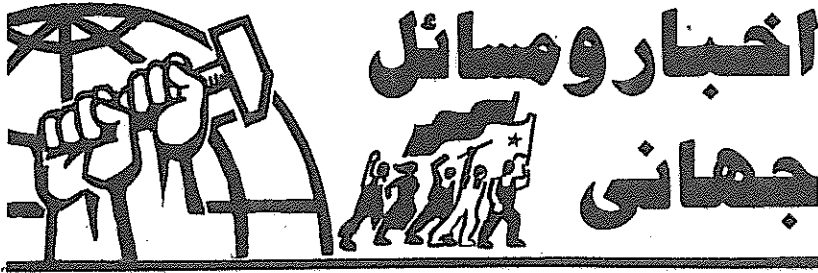
خلف آبا

در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۹ در این روز یک نفر از سبانه‌ها با سداران و دو آخونده که کمیته‌ها مدد می‌زنند نیروهای انقلابی آمده و می‌گویند که تنها کسی می‌تواند نتایج بزرگی بکنند که برگ مجوز داشته‌اند آنها قصد داشتند با این بیانه جلوی کار نیروهای انقلابی را بگیرند که با جمع شدن مردم جلوی چادر این توطئه‌نیز نقش بر آب شد.

مسئول سبانه‌ها سداران به جمعیت میگفت که یک نفر از غذاهای اینها مسموم شده است. مردم در جواب میگفتند اگر غذای آنها مسموم بوده ما هم از همان غذا خورده‌ایم. چرا مسموم شده ایم؟ وقتی هم که مردم پرسیدند آن کسی که می‌گوئید مسموم شده چه کسی است معلوم شد که آن شخص اصلاً در آن شب غذا نخورده است! (بمنقل از خبر سیل شماره ۲)

طوفانیه

روستای طوفانیه حدود ۵۵ کیلومتری جنوب اهواز در کناره شرقی رود کارون واقع است. برای کمک به مردم زحمتکش این روستا اکیب اعزام محل شده و چادر می‌زنند و اکیب مذکور تشخیص میدهد که در ارتباط با این ده و مناطق اطراف آن کمک پزشکی مهمترین کمک را تشکیل میدهد. از اینرو با دادن دارو و اعزام تیم پزشکی و کمک پزشکی کار خود را دنبال میکنند. مردم نیز از این عمل استقبال میکنند. آخونده‌ها که با تله آبا خود و با استفاده از رود کارون آب برای مزارع تهیه میکنند و از اینرا عده محصولات زحمتکش روستا را با لامیکند با آمدن اکیب دانشجویان دانشجویان مبارز و هواداران سازمان بیکار موقعیت خود را در خطر می‌بینند. شیخ که می‌ترسد دانشجویان با آگاه کردن روستائیان آنها را علیه وی بسیج کنند از روز و روستا اکیب بکمک جها دس زندگی و سبانه‌ها سداران که عملاً در پی کمک به روستائیان که در جهت شنا سبانی اکیب‌های دانشجویی در مناطق گشت می‌زنند دست به توطئه می‌زنند، روز دوم ورود اکیب دانشجویی یک ما شین جها دس برای شیخ چادر آورد و گاه می‌آورد و از طریق شیخ و عواملش شایع میکنند که در روستای اکیب دانشجویی سعی و علوفه‌ها ایشان مسموم است اما مردم که می‌بینند جها فقط برای شیخ چادر آوردند و آورده و تنها دانشجویان به آنها یاری بقیه در صفحه ۷



اخبار و مسائل جهانی

طبقه کارگر پرچمدار مبارزه طبقاتی در سراسر جهان است

لاتین) هر روز اوج بیشتری می گیرد. هفته گذشته در این کشور تظاهرات عظیمی با شرکت دهها هزار تن از مردم مستعبد به بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم صورت گرفت. این تظاهرات که به درگیری با پلیس ضد مردمی انجامید، چند تن کشته و زخمی برجای گذاشت.

شیلی

اعتصاب کارگران معادن شیلی زیر سرنیزه های رژیم فاشیستی پینوشه، حکایت از آن دارد که طبقه کارگر در سخت ترین شرایط نیز دست از مبارزه بر نمی دارد. اعتصاب کارگران معادن که بخاطر افزایش دستمزدها بر علیه رژیم ارتجاع فاشیستی صورت گرفت، با پشتیبانی کارگران کارخانه های نیز برپا بود.

کلمبیا و دمنیکن

در روزهای اخیر، دو کشور کلمبیا و دمنیکن که هر دو در آمریکای لاتین واقعند، شاهد مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان بر علیه رژیم اقتصادی حاکم بوده اند. این تظاهرات بدلیل مداخله نیروهای سرکوبگر به زد و خورد و کلوله باران منتهی گردیدند. این اقدامات است.

اسپانیا

مبارزات زحمتکشان اسپانیا بر علیه نظام سرکوبگر و ضد خلقی سلطنت، هر روز اوج بیشتری می گیرد. اخیراً کارگران مبارز "مادرد" با بن بست اسپانیا در یک تظاهرات ۳۰۰ هزار نفری فریاد اعتراض خود را بگوش جهان رسانند. در همین رابطه، تظاهرات دانشجویان به پشتیبانی از مبارزات کارگران و خواسته های عادلانه آنها توسط مسز دوران حکومتی بخون کشیده شد. در درگیری بین دانشجویان تظاهرات کننده و پلیس، دوتن از دانشجویان به شهیدت رسیدند. به همین مناسبت اعتراضات شدیدی در اسپانیا صورت گرفت که اعتصابات کارگری و تظاهرات دانشجویی در شهرهای مادرید، والانس، ساراگوسا و غیره از آن جمله است.

در هفته های اخیر شاهد موج عظیمی از مبارزات طبقه کارگر در سطح جهان بوده ایم. کارگران کلیه کشورها همچنان برای رهایی از قیدستم و استثمار، بر علیه صف متحد سرمایه داری مبارزه می کنند. و طبیعی است که این مبارزه مقدس و عادلانه تا نابودی کامل نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم ادامه خواهد داشت. این مبارزه ها اکنون به اشکال مختلف در جهان رگوشه جهان دیده میشود. از مبارزه بخاطر بدست آوردن حقوق صنفی گرفته تا سرنگونی دولت های سرمایه داری یعنی مبارزه قهرآمیز جهت بدست گرفتن قدرت سیاسی.

ایتالیا

در ۱۱ بهمن ماه، کارگران جابجانه های شهر میلان (ایتالیا) برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند.

استرالیا

بیش از دوهزار کارگر کارخانه برق ویکتوریا (در استرالیا) نیز برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی دست به اعتصاب زدند.

کانادا

در کانادا اعتصاب ۱۵۰۰۰ کارگر ماهیگیر امور بازرگانی، ۱۲ بیدارین کشور را فلج نمود. اعتصاب قهرمانانه ماهیگیران کانادا بیش از یکماه بطول انجامید.

آمریکا

طبق گزارش وزارت کار آمریکا طی یکسال گذشته ۵ هزار اعتصاب در این کشور انجام گرفته است که نسبت به اعتصابهای سال قبل از آن ۶۰۰ مورد بیشتر بوده است.

سان سالوادور

مبارزات طبقه کارگران سالوادور (در آمریکا)

ترتیب کارگران مبارز زمین دوسا به همبستگی و شکل خودتوانستند دولت حامی سرمایه داران را به عقب نشینی وادارند. در خلال مبارزه کارگران این کارخانه، کارگران فارماشیمی، عبیدی، علاءالدین مترو، ساکا، تکنوکار، کارگاه فابریکا و یک و سه واقع در دروازه قبا با آنها اعلام همبستگی کردند.

مبارزه قهرمانانه کارگران مینو

کارگران مبارز کارخانه مینو که از عملی و سازشکاری شورای کارخانه و نیز هیئت مدیره منتخب کارکنان به تنگ آمده بودند، ابتدا شورا را منحل اعلام کرده و سپس هیئت مدیره کارخانه را وادار به استعفا کردند. از طرف دیگر آنجا که این کارگران از طریق مذاکره با مسئولین نتوانسته بودند به خواسته های خود دست یابند، تعدادی از کارگران قسمتهای مختلف کارخانه تصمیم می گیرند، کار فرمای کارخانه حاج علی خسرو شاهی (H) را به گروگان بگیرند. کارگران مبارز روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۹ خسرو شاهی را در دفترش به گروگان گرفته و خواسته های چهارگانه خود را اعلام می کنند. دولتی کردن کارخانه، پرداخت سود ویژه و عیدی و معادل کارکنان دولتی و نیز پرداخت سود ویژه مانده از با رسال از خواسته های مهم کارگران این کارخانه است. در خلال گروگان گیری، کارگران کارخانه مینو با همبستگی و اتحاد و حفظ نظم... به مبارزه خود ادامه می دادند. در این مدت چگونگی برخورد مقامات دولتی با کارگران به مقدار زیادی در شناخت ما هیت دولت به آنان کمک نمود. چگونگی برخورد مقامات دولتی با کارگران به آنها ثابت کرد که دولت سرمایه داری هرگز به حمایت از کارگران نمی پردازد. برخورد کمیته دیوبه سرپرستی بوکا ئی چنان خاطره تلخی در ذهن کارگران بجای گذاشت که هیچگاه از یاد نخواهند برد.

در طی این مدت هر شب نمایندگان از طرف کمیته مرکزی، وزارت کار، وزارت صنایع و معادن، کمیته آیت الله خسرو شاهی، کمیته دیوبه سرپرستی بوکا ئی و... برای به اصطلاح مذاکره به کارخانه می آمدند، ولی تصادفی آنها ایجا دفتر و خراب کردن روحیه کارگران بود. اینان ضمن تهدید می گفتند: اما مگفته گروگان نگیرید، ولی کارگران همچنان خستگی ناپذیر به مبارزه خود ادامه میدهند. وبه این ترتیب با عمل خود، گوشه ای از مبارزه پر توان کارگران را در مقابل سوسختانه های دولت برای گرفتن خواسته های خود و نیز در تشکیل صف متحد به نمایش می گذارند.

در غروب ششمین روز گروگان گیری، کارخانه از طرف پاسداران کمیته مرکزی به محاصره درمی آید. آنان به موجب حکم تائید شده از طرف جناب رئیس جمهور و رئیس کمیته مرکزی آمده بودند تا ظسرف ساعت خسرو شاهی را آزاد کنند، ولی هنگامیکه ساعت عزم را سخ و ارا ده بولادین کارگران روبرو شده و می بینند که آنها حتی با دست خالی مصمم به مقاومت هستند، برمی گردند.

روز هشتم دستا نی انقلاب بصورت زیر موافقت کارگران را جلب می کند؛ دستا نی انقلاب قبول می کند که برای پرداخت سود ویژه و عیدی با نظارت کارگران بحساب کارخانه رسیدگی نماید. به همین منظور چک سفیدی در اختیار نمایندگان کارگران گذاشته میشود که مبلغ آن پس چیدگی به دفاتر کارخانه شخص خواهد شد. و بدین

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بسیاست سالگرد انقلاب توریه (۱۹۱۷)

انقلاب فوریه روسیه و درسهای آن برای کارگران و زحمتگشان

ولی دست‌نهایی سوسیالیستی نتوانستند
تدریس سوسیالیست را کسب کنند، در حالیکه سرمایه‌داران
لسرال کدگان خود را به دست و پا می‌زدند و مقاماتی نیز
سرچوردارند بودند، با حمایت خرده‌بورژوازی به
تدریس رسیدند.

کارگران در مقابل دولت جدید چه باید می‌کردند؟

سرمایه‌داران خائن بلافاصله به اصلاح یک
حکومت "انقلابی" ملی "باید مجلس تشکیل دادند،
دولت جدیدی گفت به مردم آزادی بدهیم و آنگاه
را حوضت می‌سازیم، ولی این دولت برای فریب
مردم دروغ می‌گفت و واقعاً یک حکومت انقلابی نبود.

میکردند، لنین می‌گفت:
" هر کس بخوبی کارگران، منظور مبارزه با
ارتجاع نزاریسم، باید از دولت جدید
بسیاسی کشیده کارگران و راه‌پرولتاریه
و امر ملج و آزادی خیانت ورزیده است."
(نامه‌های از دور)

منظور لنین این بود که دولت جدید فریبکار
است و نمی‌خواهد برای کارگران و سایر زحمتکش
کار کند، بنابراین مبارزه را باید ادامه داد.
نباید تسلیم شد، باید سرنا را از امیدواریش
آگاه و مسلح شد تا اینکه بتوان ریشه‌استثمارگران
را کشته و قدرت نوین را مستقر کرد.

و با لنین کبیر می‌گفت:
" کارگران باید چشم و گوش مردم را در مقابل
فریب‌سازان بورژوازی باز کنند، به
مردم بیاورند که حرف‌ها و ارتکبند فقط به
سیروی خود، به تشکیل خود، به اتحاد خود
و به تسلیم خود نمی‌باشند."

و او در ادامه حرف خود خطاب به کارگران مطرح
می‌کرد:

" کارگران! شما در جنگ داخلی برضت نزاریسم
بمحرانی از قهر سیاسی پرولتاریه و توده‌ای از

رژیم منقور تزاری روسیه سالیان منادی با
انگاز به ورور و سرسبز، بوده‌های ستم‌دیده روسی را
غارت و جابول می‌کرد و طبقاً مردم که کینه‌بیسار
زادی نسبت به این رژیم داشتند، علیه او مبارزه
می‌کردند، مردم روسیه یکبار در سال ۱۹۰۵ دست به
انقلاب بزرگی زدند ولی این انقلاب نتوانست سر
رجاع برور بود.

بوده‌های محروم روسیه مضم بودند بساط
ملطبت براری را بر حسد و ناس خاطر به مبارزات خود
داده دادند و در فوریه - مارس ۱۹۱۷ دوباره دست
به انقلاب زدند و در ظرف ۸ روز بساط شکن ملطبت
رومانت‌ها را کشته‌اند و مدافع ملاکین منوال،
سروهای مرمع و فرماندهان اریسی بود و از کون
کردند.

سرای درس آموری از این انقلاب، توضیح
سیری سدهم: در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)
روسه براری در کورهای امپریالیستی فرانسه
و انگلیس علیه کورهای امپریالیستی آلمان وارد جنگ
گردیدند و در تارت مردم جهان سهم‌سیری داشتند
ساده این جنگ، جنگ امپریالیستی بود، سیمی
برمانده‌اران یک کورسرای کت بود و مباحث سبتر
نستد سرمایه‌داران کور در کجک را شروع کرده
بودند، سایر اس زحمتگان به از کورهای دست
اول می‌ناتد دفاع می‌کردند و تاز دست دوم
بر دفاع و حجاب از طرفین جریتماسی از
برمانده‌اران معنای دیگری نداشت، سادس خاطر
نس آمو کار بزرگ زحمتگان مطرح می‌کردند
تا از کورهای امپریالیستی را محکوم کرده و آنرا
به جنگ داخلی سیمی به جنگ علیه سرمایه‌داران خودی
سندش نمایند، اومی گفت از بورژوازی که جنگ
اشور و اس ساند حجاب کرد، بلکه علیه او ساند
انقلاب کرد.

اس انقلاب در فوریه - مارس ۱۹۱۷ آغاز شد،
در جنگ می توان گفت که مخالفین دارو ساند
بر رده دست بودند، از یک طرف بورژوازی روسه بود
که خرده بورژوازی را هم در سال خود داشت، سرمایه
داران فرانسوی و انگلیسی که روابط نزدیک با
بورژوازی (برمانده‌اران) روسی داشتند، بطور
سپان و گاه آنگاز آن را سوبق می‌کردند تا
برار مخالف ساند، سرمایه‌داران خارجی می
خواستند در روسیه نفوذ سیری داشته باشند تا
بر این سرمایه‌داران روسی را بر تزار روسه بر حجاب
می‌دادند، بورژوازی روسه سیری حواب ملطبت
برار با دساره از انگاز سبند و بجای تزار خود سر کار
ساند، و روابط امتدای - سیاسی سرده‌ای ساند
تراسد و انگلیس برقرار ساند.

زحمت‌دگی سورا‌های ساندگان کارگران
بودند، اس سورا‌ها مدافع واقعی مباح طفند کارگر
و سایر بوده‌های سبسم و سبندست سمازمی آمدند،
بوده‌های محرومان، رمن، ملج و آزادی و انسی
می‌خواستند، آن‌ان درسی آن بودند تا سبها خود
سوار سبند را سبند کنند، بلکه همجسین رژیم
سزای را اسناد و از کون سباید، بوده‌های
محروم سیمی خواستند سرمایه‌داران خارجی سارن
بکنند، آن‌ان می‌خواستند یک کورکا ملا سبندل
داشته سباند.

سبچرال طفنات مختلف با مباح و اهدای مختلف
و سبغدی در جسی سبک کرده و بلاخره طبقه کارگر
و سایر بوده‌های سبک‌شده قبا م را آغاز کردند و از خود
خا سباز سبها و از خود کذسکی‌های سبازی نشان دادند



خود سبند ساند، سبند کار سبکل ساجس
روسه سبند سبم مردم سبیر از خود معجزه
سباند دهدها موجات سببروزی خود را در سبمین
مرحله انقلاب مباح سبازید، (همانجا)
و سببب ترتیب بود که طبقه کارگر همرا به ادهقه
- نان زحمتکش، با انگاز به آموزش لنین و سبخت
رهبری حزب سبشویک به مبارزه خود ادامه دادند و
در اکتبر ۱۹۱۷ طی یک قیام مسلحانه بساط رژیم
استثمارگر سرمایه‌داری را از کون نموده و حکومت
انقلابی خود را سبسر سباند.

برار دولت جدید درسی آن سبدها سبزم جنگ امر -
سالیسی را ادامه دهد، این دو سباز هم سبمی -
حوابت کارگران را استعمار کنند و مردم را در فقر و
سرسکی و اسارت سبده‌دارد، این دولت فرمانبردار
سرمایه‌داران فرانسوی و انگلیسی بود، این دولت
ارمن ضد خلقی سابق و دستگا‌های گوناگون رژیم
سزای را سبده‌اند حتی فرماندهان و روسای کشف
ظنی را به خدمت خود گرفت، بنابراین این دولت
یک دولت ضد انقلابی و ضد خلقی بود و سببببب کارگران
و زحمتگان سبمی سببببب این حکومت جدید دفاع

**طبقه کارگر در مبارزه بر علیه سرمایه‌داری
سلاحی بجز سازماندهی ندارد!**

بقیه از صفحه ۱ بنی صدر ...

بیماری و نیز دلایل دیگر بطور محسوس زحمت سیاست‌کننا را گرفته است و از لحاظ عملی و معنی‌بسن چندان در تعیین سیاست‌های هیئت حاکمه ندارد.

یکپارچه کردن و متمرکز نمودن قدرت

با تکیه بر گذرا به محنت سیاسی کشور پس از انتخابات ریاست جمهوری، بخوبی می‌توان دریافت که در این دوره معادلات و تناسب نیروهای سیاسی موجود در هیئت حاکمه بطور محسوس تغییر نموده است. این تغییرات در خطوط عمده خود همانا تقویت مواضع بنی صدر و کلیه نیروهای که در این مرحله از مواضع گوناگون در پرت سراسر آرائی گرفته‌اند (چنانچه این مختلف بورژوازی از آن جمله‌اند) از یکسو و تضعیف قدرت جناح مسلط روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی که حداقل پس از برکناری دولت بازرگان مهمترین مواضع کلیدی قدرت را در دست خود قبضه کرده‌بودند، از طرف دیگر است. این تغییر معادلات را دلایل و عوامل گوناگونی باعث شده‌اند. از یکسو، رسوائی‌های بی‌دری رهبران حزب جمهوری اسلامی، به میزان گسترده‌ای پایه‌های آنان را در میان مردم تضعیف نموده و بخش وسیعی از توده‌های متوهم هواداران آنها را به جانب تازه نفس و نا شناخته هیئت حاکمه یعنی بنی صدر، رانده است. (جدول آراء انتخابات مجلس نیز این را بخوبی نشان داد) و این خود مهمترین مانعی است که به این جناح اجازه نمی‌دهد، همچون گذشته در عرصه قدرت سیاسی دیوانه‌وار و روست از قدرت به ناخوش و ناچار بپردازد.

و از سوی دیگر بنظر می‌رسد، بسیاری از آنها، بنحویم بنندی متعادل شده‌اند که حفظ موجودیت کل هیئت حاکمه و منجمله قدرت سیاسی خودشان در گرو فائق آمدن بر اختلافات درونی خودشان و کوشش در جهت "یکپارچه کردن" قدرت در مجموعه قدرت سیاسی است. در مورد آیت الله خمینی این موضوع را بخوبی می‌توان تشخیص داد. تقوی فرماتدهی کل قوا به بنی صدر و دعوت تمام نیروها به حمایت از رئیس جمهور، تجلی چنین واقعیتی است. همچنین اینکه اکثریت اعضای شورای انقلاب با تفویض ریاست شورای انقلاب از پیشانی بنی صدر موافقت کرده‌اند، نشان‌دهنده دیگر از این واقعیت است.

البته اینها هنوز گام‌های بسیار جزئی است. رهبران حزب جمهوری اسلامی، که هم‌اکنون نیز جناح نیرومندی در درون هیئت حاکمه را تشکیل می‌دهند، بسادگی از مواضع قدرت خود دست‌نخواهند کشید. بدون شک اقدامات بعدی بنی صدر برای ایجاد تعادل هر چه بیشتر بین خود در حاکمیت سیاسی کشور با دشواری‌های فراوانی از مفاومت و مقابله جوشی جناح فوق روبرو خواهد شد. لیکن زمانیکه این درگیری‌ها و تشنج‌ها به مرحله‌ای می‌رسد که کل قدرت سیاسی حاکم را در رابطه با تضاد میان "بالا" و "پائین" مورد مخاطره قرار می‌دهد، منافع استراتژیک کل

رژیم ایجاب می‌کند که جناح‌های مختلف، به‌گذشت - هائی - هر چند ناخوشایند - شن در دهند، و بخوف خود را فشرده تر سازند.

سیاست بنی صدر، از آغاز کار چنین بوده است و اکنون نیز همان را دنبال می‌کند. اومی گوشت تا به درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت خاتمه دهد و حاکمیت "یکپارچه" ای را بوجود آورد. مبارزه با "تعدد مراکز قدرت" از مهمترین برنام‌های او است که زحمان ابتدا بر روی آن تاکید ورزیده است. استدا و یکپارچگی قدرت را بشرطی می‌خواهد که مواضع خود و جناحش در کل قدرت سیاسی تثبیت شده

در طی این مدت او از یکسویه مخالفت با برخی سیاستها و روشهای گورو عقب مانده، اعمال حاکمیت جناح مسلط روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی برداشت و از سوی دیگر با استفاده از تریبون‌های متعددی که در اختیار داشت (روزنامه انقلاب اسلامی، مساجد، مجامع کارگری و...) به کار وسیع تبلیغی بیرون سیاستها و روش لیبرالی و برنام‌های خیالپردازانه "جامعه‌توحیدی" خود دست زد، و بدین ترتیب توانست، با تکیه بر این عوامل فزاینده‌ای پائین در میان مردم، با زحمات، مردمی که بتدریج از ناخوش و ناخوشی روحانیت

رسوائیهای بی‌دری رهبران حزب جمهوری اسلامی، به میزان گسترده‌ای پایه‌های آنان را در میان مردم تضعیف نموده و بخش وسیعی از توده‌های متوهم هواداران آنها را به جانب چهره تازه نفس و نا شناخته هیئت حاکمه یعنی بنی صدر رانده است. بنی صدر رسالت جوش دادن کلیه اقشار بورژوازی و ولایه‌های مرفه خرده بورژوازی را به عهده گرفته است و این رسالت بخشی از برنام "وحدت ملی" او بشمار میرود.

قدرت طلب و رسوائی‌های بی‌دری لیبرال‌های خیانت‌پیشه به تنگ آمده و نسبت به بسیاری از اعتراضات هیئت حاکمه دچار باس و بدبینی شده‌بودند.

بدین ترتیب بنی صدر توانست، در شرایط قحط الرجال سردمداران رژیم، برای خود جایی در میان مردم باز نماید و لااقل برای مدتی مردم را با وعده و وعیدها و احیاناً اطلاعات و ررمیهای نا چیز بدنیال خود بکشد. این اطلاعات و ررمیها در واقع "راه‌حل‌های" هستند که بنی صدر منظور سخت بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه پیش پای هیئت حاکمه گذاشته است. بنی صدر از همان ابتدا می‌دید که روحانیت با عیان بیساز آنکه بتوانند به تثبیت قدرت حاکمه و دستم سرمایه‌داری و بسند خدمت نمایند، با اعمال و رزمندگاری عقب مانده، خود را را بیسند بخون بحران و سلاسی می‌سازند. به همین منظور یکی از مهمترین سرمایه‌های که او تبلیغ می‌کرد و اکنون نیز در موضع مردم نیرومند هیئت حاکمه آن را دنبال می‌کند، پایان دادن به "خودگامی"، "جنگ نامی قدرت" و ایجاد یک "دولت یکپارچه" بود. او در جهت برکسی نشان دادن برنام خود توانست حمایت بخشی از روحانیت را که "واقع بین تر" بودند، جلب نماید. اما این "بخش" از روحانیت هنوز برای بنی صدر بسیار گامی نبود. و بنا بر این او ناچار بود که بخش غالب روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی را با هادار دادن نسبت به وضع موجود جامعه، بخود جلب نماید و با حداقل آنها را خنثی نماید.

بنی صدر و حائون حاکم

سیاست کنونی بنی صدر در این جهت است یعنی او میخواهد که هر چه زودتر یک دولت یکپارچه بوجود آورد تا با تکیه بر

با شد و عبارت دیگر جناحها را حول یک محور و هسته مرکزی نیرومند، که آن نیز کسی جز خودش نیست، سازمان داده باشد.

بنی صدر می‌داند که "تعدد مراکز قدرت" و شکاف‌های دورن هیئت حاکمه، یکی از عوامل عمده تثبیت نشدن رژیم و لرزان بودن پایه‌های آن است. او بخوبی می‌داند که این شکافها و پراکنندگی درمغوف قدرت سیاسی بزبان کل آنها و بسود جنبش او و کبیته انقلابی است که می‌تواند از چنین تضادهائی بهره گیرد. او می‌داند که وجود چنین پراکنندگی و تشنجی در "بالا"، توان و نیروی کل هیئت حاکمه را کاهش می‌دهد و در برابر اتخاذ یک سیاست واحد و مشترک، در برابر جنبش انقلابی و نیروهای رادیکال و مترقی جامعه دو مانع ایجاد می‌کند. به همین خاطر است که به جناح‌های رقیب همدارمی دهد اگر این وضع (تعدد و پراکنندگی مراکز قدرت) ادامه پیدا کند، "همه با هم خواهیم رفت"!

این روشنفکر "عاقل" و "واقع بین" بورژوازی که کمر همت به "نجات کشور" و "ملت بسته است" چیست؟ رسالت او درجه مع بحران زده کنونی ایران کدام است و چه "راه‌حل‌های" در آستین دارد؟

بنی صدر با شعارها و رگانه: "وحدت ملی - باز - سازی اقتصادی، امنیت، محنویت" پایه میدان مبارزه انتخاباتی گذاشت و سرانجام جام بیروزی را در این انتخابات سرکشید. این شعارها در ظاهر امر بسیار زیبا هستند، اما معانی واقعی نهفته در پس این شعارها را زمانی می‌توان بهتر دریافت و از درون آن به "رسالتی" که "تاریخ" در قبال جامعه بحران ایران بر عهده بنی صدر گذاشته است، بخوبی پی برد که کردار و رفتار واقعی بنی صدر در برابر رویدادهای و جریانات منحنی که در جامعه ما به وقوع می‌پیوندد، در کنار این شعارها مورد توجه قرار داد. بنی صدر، در طی یکسال گذشته، کوشید خود را از دایره اصلی قدرت اجرایی کشور، دور نگه دارد.

مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

این یکبارچگی، به "حل" تفا دمیان "یا لا" و "پا شین" سر دازد. بنی مدرنی خواهی و هدولتته هم نمی تواند روحانیت را از قدرت سیاسی کاملاً خلع بد نماید. اما معتقد است که روحانیت باید "ما فوق دولت" ترا رکیرد و ادخال ت در امور اجرایی خودداری نماید. او از روحانیت موع است که نفوذ معنوی خود را در خدمت دولت برارد و هدنا رژیم جمهوری اسلامی ایران و موثیت خودی ص دروا عنوان و انما رش در میان سوده ها تنسب سود.

رو مشکل بتواند، با آنها برای همیشه و در دراز مدت کنار آید. خود بینی مدرنیان را بخوبی میداند و دریا فتها ست که حریف بسیار و حرف نا شنواست. جایی که مسئله قدرت در میان است ملاحظات دوستانه بکناری می رود. از همین روست که بنی صدر برای برائی سیاست و حرفش و عقب راندن رقیب، آراء انتخا با تی اش را به رخ می کشد.

"آرائی که مردم ما دره بهمین دادند، اقتضای اراده قاطعی است که ایران فقط یک دولت می تواند داشته باشد و آن دولتی است که بر"

لیبرال و وابسته ای که بیوفشان دریا زسازای یک جامعه سرما یه داری (و در اینجا سرما یه داری وابسته) شکفته میشود، نمینا شد. روشنفکران مورد نظر آقاسی بنی صدر، یار رفقای خارج نشینش هستند که همسوی خودش در مکتب کشورهای غربی درس وفا داری بسجده اصول و معیارهای سرما یه داری را آموخته اند (مثال دکتر سلامتیان، نویری، طباطبائی، قطب زاده، حبیبی و...) و یا کسانی که سالها در داخل در "سنگر مبارزه با دیکتاتور" موی سفید کرده اند، و یکی از اصول مورد قبولشان که شدیداً به آن وفا دار بوده اند، حفظ نظام سرما یه داری و وابسته و حفظ سلطنت بوده است. منظور ما کسانی مانند جناب سنجایی و فروهر و... است، که اگرچه طشت رسوائی بسیاری از آنها از با مهرخانه ای فرو افتاده است، لیکن آقای بنی صدر نیز دست دوستی به سمت آنها دراز نموده است. بیهوده نیست که از جایی همچون جنبه ملی و حزب ملت پس از به قدرت رسیدن بنی صدر بلافاصله از او سیاستش در جهت پایان بخشیدن به چندگانگی قدرت، حمایت نمودند و به او تبریک گفتند. این سیاست ها در واقع بخشی از برنامه "وحدت ملی" بنی صدر بشمار می رود. وحدت ملی بنی صدر وحت تمام بورژوازی (سرما یه داران) است! چه آن سخنی که در زیرچتر روحانیت سنگر گرفته (بهشتی ها ورفسنجایی ها و...) و چه آنها ای که در محافل و احزاب سنتی بورژوازی بطور پراکنده گرد آمده اند (مانند جنبه ملی، حزب ملت و...) بنی صدر، نقطه عطفی است در حیات رژیم جمهوری اسلامی ایران. نقطه ای که در آن کلیه اقشار بورژوازی و لایه های مرفه خرد بورژوازی برای اولین بار امکان می یابند فارغ از تضادهای بی شمار درونی شان، دست دوستی به یکدیگر بدهند. بنی صدر رسالت چنین جوش دادنی را بعهده گرفته است. بنی صدر و البته کسل بورژوازی بخوبی میداند که، تحکیم مبانی سرمایه داری و وابسته در ایران و برپا انداختن دوباره دستگاه بهره کشی، نیازمند چنین "جوش خوردگی" و "وحدت" است. ترمیم سیستم اقتصادی - اجتماعی و دستگاه "داری سرما یه داری و وابسته فقط در سایه این "وحدت ملی" امکان پذیر است. اگر رهبران روحانیت، چنین نکته ای را درک نکنند، لیبرالها و پیروژه جنس ب بنی صدر با آن زیرکی بورژواش این واقعیت را بخوبی درک می کنند. اما اینها خوابهای شیرینی است که بنی صدر در سر میپروراند میان خیالهای شیرین آقای بنی صدر واقعیت فاصله بسیار است. حداقل می توان گفت که چنین وحدتی اگر هم امکان پذیر کرده، مدت زیادی بطول نمی انجامد. این را ما نمی گوئیم. این را واقعیت بحران عمیق اقتصاد - اجتماعی که همه که تمام دستگاه بهره کشی اقتصادی را به فلک کتکنا نده است، می گوید. بحران بنی که با "راه حل های" سرما یه دارانه، به یقین اصلاح پذیر نیست. بسیار گمان این راه حل را آزموده اند. رفرمهای دوران رژیم شاه از یادمان نرفته است. همچنین تلاشهای آقای بازرگان.

بنی صدر در یکسال گذشته از تمام مکانات را دیوتولویزیونی و مطبوعات و مساجد و... برای تبلیغات بی نفع خود استفاده کرد و در عین حال لیکه اینجا و آنجا به عملکردهای عقب مانده و کهنه برستانه حزب جمهوری اسلامی انتقاد میکرد خود را از قدرت اجرایی دور نگاه داشت.

آقای بنی صدر نرخ بهره بانکی را پائین می آورد و بعد به بانکها میگوید بیه نولید کنند های که وام میدهند در آنجا سرما یه گذاری کنید و صاحب شوید، یعنی ما به التفتا وب بهره قبلی را با بهره فعلی از طریق استثماری مستقیم کارگران جبران کنید و بعد اسم این را می گذارد "اقتصاد توحیدی" !!

و بنظر خود را در این باره و در پاسخ این سوال حرسکار روزنامه "لوموند" که پرسیده بود: "تسا برای روحانیت چه مقامی در نهاد های تازه پیش بینی کرده اید، آیا آنها در داخل دستگاه حکومتی خواهند سودا در ارجح آن" گفت:

"نه در داخل و نه خارج، بلکه در فوق دستگاه ما. طم مولات نصیر را برقرار کرده ایم تا ما را سنجای سنی دولت و روحانیت را در مینا تنظیم کنند. روحانیون از گمانال ولایت نترسند که می توانستند از رعمده کنند دست بعمل بزنند." (از مصاحبه با روزنامه لوموند)

طبق قانون اساسی عهده دار امور کشور میشود (اطلاعات ۸ بهمن)

بنی صدر یک چیز دیگر را هم در مقرر تصداری آموخته است، اومی داد که با منفر روحانیونی که سالها کارشان فقط تدریس در حجره های تنگ و تاریک حوزه علمیه قم ویا... بوده است، نمی توانستند دستگاه دولت و امور مملکتی یک جامعه سرما یه داری را از بنی با چنین وضع اسفناکی سروسامان دهند. او می داد که روحانیت در یکسال اخیر، با خصوصیات عقب گرایانه و تاریک اندیش خود بسیاری از روشن فکران بورژوازی را که با یید در جهت ترمیم ساختمان جامعه متلاشی شده سرما یه داری و وابسته بران بخدمت گرفته می شدند، از خود رمانده است. اومی خواهد سرما یه داری و وابسته بحران زده ایران را ترمیم و تثبیت نماید. بنا بر این به چنین روشنفکران و متفکران و وابسته به سرما یه داری ای نیاز زد. رد. از سوی دیگر همانگونه که قبلاً گفتیم وی به تنفس و اعتبار و قدرت روحانیت هم نیازمند است. البته که می گوشت آنها را با هم آشتی داده و همه را بگرد خودش متشکل و جمع آوری نماید، تا با کوشش مشترک به "بازسازی اقتصاد" کشور برود. با زسازای اقتصادی سرما یه داری و وابسته بحران زده ای که و کمربند حفظ و تثبیت آن بسته است. خودش در این باره میگوید: "من از سالها پیش برای این نظر بوده ام و ایمن نظرا کتون در ایران پیروز شده است که باید روحانیون آگاه به مسائل روز و روشنفکران متعددی وحدت پیدا کنند و با هم در مشکلات شرکت کنند و من امیدوارم که این وحدت در دور ریاست جمهوری من کامل شود." (اطلاعات ۸ بهمن)

بنی صدر و روشنفکران بورژوازی

البته همانطور که عمل نشان داده است، منظور بنی صدر از "روشنفکران متعددی" کسی جز روشنفکران

بنی صدر نیز گرچه را فرا تراز آنها گذاشته و در پی رفرمها و اصلاحات بیشتری است، لیکن ماهیت رفرمها و اصلاحات مورد نظر او را با آن تفاوت چندانی نمیکند چرا که این رفرمها و اصلاحات در واقعیت خود، راه حل های سرما یه دارانه بورژواشی هستند که به منظور بازسازی سیستم سرما یه داری و وابسته

هر چند در اشکال جدیدتر - بکار گرفته شده اند .

برای درک این منظور لازم است برخی از جوانب سیاستها و بیرونی‌ها را بی‌مدرکانه می‌توانند بطور بهتری مضمون و واقعیت شعارهای چپ‌رگانه او را نشان دهند ، مورد اشاره قرار دهیم .

راه حل سرمایه‌داری در پوشش "اقتصاد توحیدی"

بنی صدر ، در طی یکسال گذشته ، با ترمش‌پور "اقتصاد توحیدی" اش بر سر زبانه افکند . او جامعه و اقتصاد "توحیدی" اش را بر سر هر کوی و بر زنی تبلیغ می‌کرد ، به کارگران وعده میداد که "هر کس با بست کاری که می‌کند حق پیدا می‌کند . بیشتر از کارگر اسلام هیچ چیز نیست . هیچ موقعیتی برای کسی ایجاد حق نمی‌کند" (کتاب "کار و کارگر در اسلام" مجموعه سخنرانی‌های بنی صدر در اجتماع کارگران) او شعار می‌داد که : "اساس در اسلام کار است و هر کس کار کرد باید نتیجه‌ی خود را ببرد" . (همانجا) او از مضرات "ربا" در اسلام سخن می‌گفت و شعار می‌داد که ربا خواری در باطن یکجا باید از بین برود . او شعار می‌داد که بهره‌داری یکجا باید از میان برود ، چرا که "اسلامی" نیستند ، اینها حرفهای شیرینی بودند که آقای بنی صدر بر زبان می‌راند . لیکن زمانیکه پای عمل میمان آمد ، زمانیکه خودش بر مسند قدرت نشست و فرمان کشتی به‌کل نشسته‌نظم‌بیمار حاکم را بردست گرفت ، در عمل نشان داد که می‌خواهد همان راهی را بروید که پیشینیان او رفتند اند . منتهی با این ویژگی‌های که شیوه‌های ما هرا نه‌تری در استیسن دارد ، شیوه‌هایی که می‌تواند مدت زمانی نوده‌های نا آگاه را بفریبید . گفتار زیر بی‌خوبی می‌تواند ماهیت و اساس تمام سیاستها و بیرونی‌ها را به اصطلاح انقلابی او را برای "بازسازی اقتصاد" نشان دهد . وی در پاسخ خبرنگاری که از او در مورد زمان اجرای "برنامه مسه انقلابی" اقتصاد اش سوال میکند ، جواب میدهد :

"در این ۱۱ ماه همین کارها شده است . (یعنی همین "برنامه" انقلابی "پسیده شده است" - برانتر از ما است) ز جمله تولیدیجات با کین آمده و ۶۰ سال به عمر ما ها افا نه کردیم (!) و دیگر اینکه با یک ملی (!) شده ، اسرارهای عمومی ملی (!) شده ، زمینهای شهری ملی (!) شده ، مگر اینها کار نیست ؟ شما کافی است به قیبه انقلابها نگاه کنید ."

آیا این جملات به اندازه کافی گویای ماهیت بیرونی‌ها را به اصطلاح انقلابی بنی صدر نیست ؟ این اقدامات "انقلابی" که بنی صدر از آنها چنین بیباک افتخار نامه می‌برد و لابد رسالت خویش را در دادگاه همین "برنامه" ها با افتخار است ، همان سیاستها و اقداماتی هستند که یکسال توسط دولت بازرگان اعمال شدند و اکنون کوس رسوائی اش در هر کوی و بر زنی نواخته شده است . سیاستهایی که حتی کسانی چون بهشتی نیز دیگر جرات تا نشاندن آنها را ندارند و آنها را "سازگارانه" می‌خوانند . وقتی بنی صدر از به اصطلاح ملی کردن با یکجا و ... چنین به نیکی و افتخار یاد می‌کند ، بر او حتی می‌توان در یافت ملی کردن از نظر او جز دولت‌سوی کردن موسسات اقتصادی و مثلاً با یکجا چیز دیگری نیست . سرمایه‌داری وابسته و نهادهای اقتصادی آن کجا کان یا برجاست ، اما این با ریوش دولتی بخود گرفته است ، همین ویس . چنین ملی کردنی

براستی هم با یچنان "حذف بهره‌وربا" می‌داشته باشد .

در کشاکش مبارزه انتخاباتی ، بنی صدر عوام - فریبنا نه ، شعار حذف ربا و بهره‌داری نکجا را سرداد . و توده‌های عظیمی را که از حیلها و ترفندهای روشن - فکرا ن بورژوازی بی‌خبر بودند ، بخود جلب نمود . اما برنا مه با یکی او ، جز اصلاحات و فرقم نا چپسزی در نظام بانکی ایران چیز دیگری نبود ، اساس و پایه نظام رگرا نه بانکی ، که شرایا تها پیش با خون سرمایه‌های امپریالیستی و وابسته تصذیه میشسود ، همچنان با برجای ماند ، بهره ، نام "کار مزد" و "سود" تضمین شده "را بخود گرفت و اندکی تعدیل شد . همین ویس ، بنی صدر می‌خواهد خرجه ربا بجای حذف (مروا - رید) به مردم غالب کند . هر کس که تا زه لفضای اقتصاد در آموخته با عدویا حتی در تجربه زندگی اش با اقتصاد سرمایه‌داری برخورد کرده باشد ، می‌داند که در نظام سرمایه‌داری بهره یکی از شرایا تها ی حیاتی با یکجا است که بدون آن با تک علت وجودی خود را در این جامعه از دست می‌دهد . با یکجا از طریق همین بهره‌ها (و نیز به طرق دیگر) ، در استسما رشیروی کسار کارگران و زحمتکشان جا معد و غارت و جیبا ول دسترنج آنان مشارکت می‌ورزند . حال چگونه بنی صدر می‌تواند با حفظ نظام سرمایه‌داری (وابسته) - چپسزی که خود او نیز کوششی برای لایوشانی آن ، حداقل در شرایط فعلی ندارد - بهره بانکی را حذف نماید ! بنی صدر ، بهره ۶٪ و امیای مسکن را (که در رژیم گذشته معمول بود) به ۴٪ می‌رساند و نام آن را کار مزد می‌گذارد (۸) ، آنوقت در بوق و کرنا می‌دمد که بهره بانکی را حذف کرده است . در حالیکه در اکثر

(۸) - توضیح بیشتر ما هیت فریبکارانه این فرقم بانکی بنی صدر ، از جمله این بحث خارج است . برای این منظور می‌توانید به پیکارهای ۲۷ و ۲۸ مراجعه کنید . همین قدر توضیح می‌دهیم که قرار است با یکجا در رابطه با امیای که به تولید کنندگان می‌دهند (چه کسنا ورزی و چه صنعتی و خدمات) سرمایه - گذاری و سهم معینی در شرکت وام گیرنده داشته باشند . یعنی رت ساده با یکجا بجای گرفتن بهره‌های کلان از سرمایه‌داران ، از سرمایه‌داران بهره کمتری می‌گیرند و بجای آن بطور مستقیم کارگران و زحمت - کشان را استسما ر می‌کنند .

بقیه از صفحه ۲
کشتار رهبران ...
که شاه در مورد تن از زندگان زندانی مرتکب شد دیدیم که به چه سرنوشتی دچار آمد . حزب جمهوری اسلامی نیز نه شهادت آنچه که از آغاز قیام کشید در لجن نامه‌هاش بجای رسانیده ، از طراحان اصلی این جنایت هولناک بوده است . این حزب رسوا ، بعد از قتل نمایندگان خلق ترکمن ، از طریق لجن نامه - اش کوشش می‌کند که با کوچک کردن شخصیت انقلابی رفقای شهید ، کشتار خائنها بین دلاوران شهید را موجه جلوه دهد .
و اما آقای رئیس‌جمهور که همواره سعی میکنند از خود چه رهای "دموکرات" و "انقلابی" ترسیم کنند ، نیز در این جنایت فجیع شریک جرم است . آقای بنی صدر وقتی که خلق ترکمن را تهدید کرد ، وقتی که ستاد خلق ترکمن را "لانه فساد" نامید ، وقتی که خلایق ترکمن را تهدید کرد که خانه‌ها و خانه‌ها را در همس خواد هذکوت ، وقتی که این همه را تا زه "ده‌رمد از

کشورهای سرمایه‌داری اروپا نیز بهره‌ور و امسکن در همین حدود یعنی حداکثر ۴٪ است و نه بیشتر . این رژیم‌ها به‌یو که بدلیل عبق سرسیردگی اش با امیر - بالیسیم ، چنین نرخ بالائی را برای وامیای مسکن ، یعنی یکی از مبرم‌ترین نیازهای زندگی - رمتکشان در نظام بانکی خود برقرار کرده بود . کاری که بنی - صدر کرده است این است که میزان این نرخ را اندکی پاشین آورده و تا زه به سطح بهره وام‌های مسکن در کشورهای اروپائی رسانده است . کشورهای که نه جامعه توحیدی اند و نه مدعی دانتن "اقتصاد توحیدی" هستند و کسی نیست که در سرمایه‌داری بودن سیستم اقتصاد اش این کشورها شکی داشته باشد ! البته آقای فرم آقای بنی صدر در نظام بانکی "حسن" دیگری هم دارد ، و آن بهره برداری سیاسی سرمایه‌داری وابسته ایران از چنین فرمی در جهت بازسازی خویش است . می‌دانیم که با یکجا همچون دیگر نهادهای وابسته رژیم گذشته و نا بد در صدر همه آنها ، بی‌وسه در آماج حملات انقلابی توده‌های مردم قرار داشت . حملاتی که تنها در شکست نشه‌ها و بسه آتش کشیدن مراکز بانکی کشور خلاصه نمی‌شد . بلکه درسی اعتمادی شدید مردم نسبت به این مراکز غارت و جیبا ول رژیم سرمایه‌داری وابسته ایران نیز متبلور می‌گردد . این بی‌اعتمادی و تنفر از بانک - های غارتگر تا بدانجا بوده که در او خر رژیم منفسور پیشین توده‌ها حتی از پیردا اخت اساط و امیای خود و بهره‌های بانکی نیز خودداری می‌کردند . و این خود خریات متبلکی بر بیگرفرتوت و بیبا ر نظام بانکی رژیم لاجرم کل اقتصاد وابسته آن بود . (حسن) البته حسن برای بورژوازی (و فرمایا و اصلاحات بنی صدر این است که می‌تواند اعتماد مردم را به این نهاد - های غارتگر ، جلب کند تا بر اساس آن نظام سپردگنی با یکجا را مجدداً بر آه اندازد . در واقع بنی صدر با چنین سیاستی می‌کوشد تا توده‌ها را راغب کند که "مراودات" طبیعی خود را با یکجا مجدداً برقرار سازند ، اسقاط پیشین خود را بپیردا زنند ، بهره‌های پیرداخت نشده را بازگردانند و چرخهای بهره‌کشی آنان را دوباره به راه اندازند . آیا سرمایه‌داری وابسته ایران چنین خدمتی را از اجانب بنی صدر ، بدسیده تحسین نگاه نخواهد کرد ؟ آیا با زهم تردید می‌در اصالت بورژواشی اصلاحات آقای بنی صدر به منظور "بازسازی اقتصادی کشور وجود دارد ؟ (ادامه دارد)

قاطعیت رژیم جمهوری اسلامی" دانست ، از همانجا دستن بخون خلق ترکمن ، بخون نمایندگان خلق ترکمن ، آلوده شد .
در یک کلام برخلاف تصور عده‌ای که معتقدند گویا این جنایت هولناک فقط کار جناحی از پاسدا - ران بوده و به‌کل هیئت حاکمه مربوط نمی‌شود ، در حقیقت شورای انقلاب و ریاست جمهوری ، حزب جمهوری اسلامی و پاسداران و ... همگی در این جنایت شرکت داشته‌اند . در واقع این هیئت حاکمه است که خون می‌ریزد ، این هیئت حاکمه است که کشتار می‌کند و بشیوه "آرپا مپری زندانیا ن خود را به گلوله می‌بندد .
اکنون که ارتجاع از هیچ جنایت شرم‌آوری روی گردان نیست ، این وظیفه همه انقلابیون است که با تسلیفات وسیع خود مانع از آن شوند که این جنایت فجیع از خاطره‌ها زوده شود ، همه جهانسان باید بدانند که این مدعیان دروغین آزادی و استقلال چگونه برخلفها ستم می‌کنند .

محاكمه محمد تقی شيرام در آستانه انتخابات توپنه‌ای پيش نيست

مجا هدين خلق معرفى نمايند؟ آيا كسانى كه در زمان شاه با دلالتى ويوس با زى زمين دريى ميليتون شدن بودند امروزى توانند در امرى كه مربوط به يك سازمان انقلابى است دخالت نمايند؟

اما بديرترازين قيا فحق بجا نكب گرفتن حزب جمهورى اسلامى، نوشته‌هاى زهرا كين اين حزب در روزنا مه خود عليه ما ركسيست هاست، در رابطه بسا محاكمه محمد تقى شيرام روزنا مه ما كيا وليستهاى مقدس ما ب! ورا سپويتين هاى وطنى! تلاش ميكنند در ذهن مردم اين استدلال را فروبرده كه ما ركسيست يعنى "ملحد"، و "ملحد هم همان كسى است كه مپهور... الدمى با شد، يعنى خوشن حلال است! آيا اين تاريخ گشت به قرون وسطى وجنگهاى ملنيسى نيست، آيا اين را سپويتين ها ديوانه‌ها و ربا زهم در پي ايجاد جگ مسلمان و كا نرنيستند كه يك چشمه زان را در كرديستان ديديم و چشمه ديگرا در كنيده؟ جنگى كه جز وسياست هاى آمريكا ست.

واما يك چيز ديگر وحتى مهم تر و آن اينكه در اين ميان آقاى بنى صدر چكاره است؟ او كه بقبول خودش و آنطور كه تا بحال وانمود كرده است مخا لسف ابنگونه شيوه هاست چكار مى كند؟ آيا او مخا لسف محاكمه محمد تقى شيرام در آستانه انتخابات است؟ اگر هست پس چرا علامت مى كند؟ آيا او پس از نشان دادن "ده دردم" از قاطعيت خود در كنيده كه متجر بسا كشتار خلق تركمن ورهبران آن شده است باز هم مى تواند مودنيا نه چهره، واقعى خود را در يوش نگه دارد؟ او در مقابل اين سوال كه چرا در عرض ۶ ماه تصادم محمد تقى شيرام در زندان انفرادى و در بدترين شرايط جسمى و روحى قرار داده شده وحتى احازه نيافته براى يكبار هم كه بنده با خا نواده اش ملاقات كند، چا بسا خى دارد؟ آيا او در اين مدت عضو "شوراي انقلاب" و مسئول در برابر تئامى عملكردهاى اجرائى نبوده است؟

مسموم و تشاه خود به ذهن وانديشه آنان مبادرت ورزند، محاكمه شيرام در اين شرايط حاس هيسح هدفى جز مقابله با نيروهاى انقلابى ميهن، رزمندگان سازمان مجا هدين و انقلابيون ما ركسيست - لنيينيست در بيرندا شده و ندادارد، ارتجاع زخم خورده مى كودشتا بدين شرتيب اذنان توده هارا نسبت به پيشروان رزمنده اش مفشوش نموده و از اين رهگذر به انزواى آنها پيرداخته و راه را براى تصرف چند كرسى بارلمان توسط خودش هموار سازد...

هيا هوى تبليغاتى كه اين روزها روزنا مه جمهورى اسلامى ارگان اين حزب براه انداخته و به بزرگ كردن هر چه بيشتر جريان محاكمه شيرام و آه و ناله عوامفريبانه براى انقلابيون شهيد "شريف واقفى" و "مديه لبا ف" سردا داده است همه و همه تشا رز اين حركت فرصت طلبانه است.

لذا ما ضمن هشدار به كليده توده هاى انقلابى و مبارزميهنمان، به سازمان مجا هدين خلق ايران، به خا نواده شهيد اى اين سازمان، بخصوص به خانواده هاى شهيد، شريف واقفى و مديه لبا ف و كليده نيرو هاى مبارز و دموكرات، از آنها مى خواهيم كه با هوشيارى تمام دست به افشاى توپنه هاى خا شائسه اين رسوا شكان معلوم الحال زده و در اين مرحله

محاكمه محمد تقى شيرام در آستانه انتخابات مجلس شورى اى طلى آغا زميگرده، اين محاكمه كه بطور حساب شده اى براى تبليغات عليه ما ركسيست - لنيينيست ها و از جمله سازمان ما وهمچنين سازمان مجا هدين خلق ايران صورت ميگيرد يكبار ديگر چهره ما كيا وليستهاى هيئت حاكمه را كه در حزب جمهورى اسلامى ... لانه كرده اند، از برده بيرون ميان ندادارد. روزنا مه حزب جمهورى اسلامى در اين ميان آشكارتر و عريان تر از هر كس ديگري ا هدا ف پليد خود را بسا نمائش مى گذارد، او با استدلالات قرون وسطاى و كهنه پرستانه و پيوسيده خود كوش ميكنند كه با پيراهن عثمان كردن جريان ات درونى يك سازمان انقلابى به خونخواهى مجا هدين شهيد شريف واقفى و مديه لبا ف بنشينند، در حاليكه خود امروز با چاقو داران و شعبان بسى مخ هاى جديد نظيرهاى غفار و وسا وا كى - ها و لومين هاى كه به خدمت خود در آورده است در حق مجا هدين خلق از هيچگونه آزار و اذيت و فتنار و حتى كشتار و فروگردا رنميكند (ما ركسيست ها هم كه چاى خود دارند).

شايدا گرچنين نمائشى چند ما پيش با جبراً در مى آمد بسيا رى از توده ها گول قيا فحق بجا نكب حزب جمهورى اسلامى و امثالهم را مى خوردند اما امروز چى؟ آيا امروز كسانى كه دستشان به خون صدها تن از خلقهاى كرد و تركمن و عرب و ... آلوده است ميتوانند چنين وانمود كنند كه دلشان بسا رى سازمان مجا هدين خلق ميسوزد؟ آيا كسانى كه بسا شرمانه ترين انهاما ت را به سازمان مجا هدين خلق مى زنند و سوسو در جوى مبارز با اميران نظام خا ش بيگان مى گيرند، مى توانند خود را دوست مجا هدين خلق وانمود سازند؟ آيا كسانى كه مجا هدين را زندانى مى كند و بعد از طريق شريبون ها و وسا يلى كه در اختيار دارند دعوا مفرىبا نه توده ها را عليه مجا هدين تحريك مى كند مى توانند خود را دوست خلق و دوست

سردمداران ما كيا وليست و فريبكار اين حزب كه براى رسيدن به اهدا ف پليد و ضد خلقى شان از توشل به هر دستا و بيزى كوئا هى ندادند و آشكارا هر وسيله اى را با هدف توجيه مى كند، امروز بسنجوى هر چه فا شيتى ترشكارا انقلابيون و نا بودى مخالفان خود را در دستور قرار داده اند. سردمداران اين حزب از طريق ارتجاع حا كم زيكسوما هدا ن زنده ورزيمند - گان ساليان در از رما هها در زندان نگاه داشته و عليه همزمان ديگر آنها توپنه مى كند و از بسوى ديگر تحت نام خونخواهى مجا هدا ن شهيد، هر روز صحنه اى ديگر مى آفريند.

ترتيب محاكمه محمد تقى شيرام در آستانه بزرگزارى انتخابات مجلس بطور مشخص از جمله كارا كتر - ها و صحنه پيردا زيباى خا شائنه و عوامفريبانه ايسن داروده است ما كيا وليست و مرتجع است. آنان مى خواهند و شيده اى كوشنده كه با تشكيل به اصطلاح دادگاه در اين شرايط و در واقع با ترتيب همان بيبداد - گاههاى ضد خلقى شاهنشاهى با زهم به مفشوش كردن ذهن توده ها و بديبين كردن آنان نسبت به نيروهاى انقلابى و مبارز ما پيردا زند.

آنان با محاكمه شيرامى خواهند شده هاى نا - آگاه را هر چه بيشتر در لگ توهما ت خود فرو برده و بسا پا به نا آگاهى آنان به فرو ريختن هر چه بيشتر افكار

آغا زما كه محمد تقى شيرام در آستانه انتخابات و فتنارهاى روحى و جسمى كه در مدت ۶ ماه اخير به او وارد آورده اند، بحق صدائى اعتراض نيرو هوساى انقلابى و مترقى را بلند كرده است. در اينجا قسمت - هاى از اعلاميه "كميته پشتيباننى از انقلابيون و مبارزان زندانى" را ملاحظه مى كنيد:

توده هاى رزمنده و انقلابى!

خانواده هاى انقلابيون شهيد!

انقلابيون ما ركسيست

لنيينيست!

از قيا م شكومنده بهمن ما كه منجر به درهم ريختن پا يه هاى رزميدگيتا تور - فاشيستى رزميد محمد رضا شاهى شديده شكسته شدن ديوارهاى مخوف زندانها و شكستگاه هاى قرون وسطاى رزميد ما خا شائنا ميد زمانى نگذشته بود كه هيئت حا كمه جديد براى مقابله با مبارزان دموكراتيك و عادلانه توده ها و سر كسوب نيروهاى رزمنده و مبارز به زما زى ارگانهاى اعمال قهر ارتجاعى خود، ارتش، سا و ما، پليس و بر كردن زندانها از عناصرا انقلابى پرداخت.

حمله چاقو داران به تما هرات و تخمن هاى كار - گرى و نيروهاى مترقى، حمله ها نت آميز و فاشيستى عناصرا مرتجع و فدا انقلابى به خا نواده شهيد و تخمنهاى آنها، شور و بعضى از عناصرا مبارزان انقلابى در تهران و شهرستانها و با لخره دستگيرى و شكستگاه عده زيادى از مبارزين و انقلابيون شناخته شده از جمله عملكردهاى اين حا كمنا جديد بود.

محمد تقى شيرام مقهور هبرى سابق بخش منسعب از سازمان مجا هدين خلق ايران نيز در زمره افرادى بوده كه توسط عناصرا معلوم الحال رزميد و بريا بسا سياستهاى ياد شده دستگير شده و تا بحال كه حدود ۸ ماه از دستگيريش مى گذرد، هيچ گونه اطلاع دقيقى از سرنوشت او در دست نيست وحتى خا نواده وى موفق به يك بار ديدار هم با وى نشده است.

اخبارى كه تا بحال از سيا هها لپهاى " جمهورى اسلامى" به بيرون نفاذ كرده، حا كى از آنست كه در اين مدت اين مبارز قديمى تحت شديد ترين فتنارهاى جسمى و روحى قرار گرفته و مرتجعين جمهورى اسلامى، اين كارگزاران جديد سرما به پا رها و بارها بخصوص در مواردى كه مسا ئلى حا در جا مبه جريان داشته است براى و فتنار آورده اند كه بر عليه نيروهاى مترقى و انقلابى، از جمله سازمان مجا هدين خلق ايران و نيروهاى ما ركسيست - لنيينيست موضع گيرى نمايد، كه او تا بحال به اين خواست ضد خلقى آنها پاسخ منفى داده و تمام شكستگاه هاى روانى آنها را از جمله ساختن صحنه هاى تئمنى متعدد اعدام و ... تحصيل كرده است.

و امروز ما هدهستيم كه در آستانه انتخابات و در زمانى كه نيروهاى مترقى و مبارز مردمى در حال بسپج عمومى براى افشا و نشان دادن ماهيت كارگزاران جديد است "حزب جمهورى اسلامى" و عمال شناخته شده سرما به دور و قار ارگان اين حزب دست بيك سرى تبليغات و بسپج بر عليه نيروهاى خلقى زده و حتى در پشت ما سك دفاع از مجا هدين، حملات خا شائنه اى را عليه اين نيروهاى مبارز و منجمله مجا هديسن و انقلابيون ما ركسيست - لنيينيست شرع كرده است.

سازمان "سیاسی ایدئولوژیک" توطئه ای دیگر برای نفتیش عقاید در درون ارتش

روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه هکدامتقسیم‌داسحو ...
با طبعیده‌ها دکان امام حسن (رح‌آباد سابق) ...
کتابی تصدیه و در آن سوسه‌دهد بود: "سادمسیرک ...
ارتش جمهوری اسلامی ایران برای سازمان سیاسی ...
ایدئولوژیک خود، ۱۵۰ نفر را کددرای برانسط ...
سعد، سدار آرماساب می‌ندرد، سدر سدر سدر ...
نی دوره، حتمی، سدار طبرها در کلاس ساسی ...
ایدئولوژیک آموزش می‌سندوس، ارسان دوره ...
حتمی هرکدام را آسپار ایدوا حدهای مختلف کسه ...
دسحوان و غده حدست می‌کنند سنوان ما مورب ...
می‌نرسد!

مرتا ندخان مردود و سسروده مساران ...
آرسنای! رفسل ساکرها، فلاحی‌ها، سادپرها ...
ساحمدسی مرگای حدندان چون جمران‌ها، ...
حدای‌ها و سار سدر سیدان خاکم در ارتش، از سدر ...
ارتش ما کیون ساسام موا کوسده اندا سسسم صد ...
منکی آرمی را! حاکم، آسپاسل از هر جبر برای ...
سرتاری محد اخل اظ سدر کور کورا سدر ارسسسی ...
احساح سدا فداسی داری سدا ار آکا همدن سسسر ...
سربان، در حداران و اسران جز، ارتسی طوکسری ...
سدا سدا، سدن مطور سدا و علما سارمانهای ساسوی ...
و حد اظلا - را در ارتس سارماری کرده سادو حتمی سه ...
آسپار سراسا کسا کرده و نخب سوسهای مختلف از رفسل ...
سارمان سداوم اساملا، "سدا سلسلعات اسلامی ...
و اسن اسلامی" و ... آسپار اکسرس داده اند.

سازمان سدا اصطلاح "سیاسی - ایدئولوژیک" یکی ...
سکرا سیدادغانی است که سوسله، آن از ساکا هسی ...
ز احاس - مذهبی! سراد در جهت ساسانی عناصر ...
سپار و آگاه و سسروران و طبعه اسفاده کرده و ...
تمسین سسسوی معری سربان و سرسل سسست ...
سوس "آموزس ساسی - ایدئولوژیک" می‌بردازد، ...
سرای سسر ساسی ما هیت ارتساعی این سارمان ...
سسی - ایدئولوژیک "سند سوال سونه از سوات ...
آرمون ساسی - ایدئولوژیک آنرا که در تاریخ ۱۶ ...
سسما ساد سطور کتنی از دا و طلبان س عمل آمده را در ...
اسحانی آورم .

سوال ۲ - سوسله علوم تجربی، وجود خدا را: ...
الف - می‌توان ثابت کرد ...
ب - نمی‌توان ثابت کرد ...
ج - می‌توان نفی کرد ...
د - هیچکدام "

گزارشی از میتینگ انتخاباتی سازمان

روز پنجشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر هزاران تن از ...
مردم مبارز تهران، بدعت سازمان و برای آشنا شی ...
سا مواج سازمان در آستانه انتخابات در ساحتان ...
سابق مجتهدی دانشگاه صنعتی (شریف) گرد آمدند
قبلا اعلام شده بود که مراسم در سالن ورزش بزرگوار می ...
سودلی بدلیل برخورد های ضد دموکراتیک جناح های ...
فالانز و حزب توده ای شورای دانشگاه صنعتی (شریف) ...
آنجا از دادن سالن خود داری گردند! و ما سچسور ...
سدم مرا سدر ا ساحتان سابق مجتهدی و دم موقعت ...
سدی از لحاظ جا و سلسله گویا ... برگزار ساشیم . در ...
این مراسم ابتدا حاضرین در اعتراض به کشتار رنجیع ...
هیران خلق ترکمن بیباک ساندویک دقیقه سکوت ...
کردند، سپس قلبهای مطول از عشق سچلی سچینه سه ...
دشمنان خلق در سدا ر علیه کشتار خلق ترکمن سلسور ...
یافت و سدا را دادن سدا این سنا ییت را که درست سه ...
سیره محمد رضا نا هی صورت گرفته است محکوم سمودند
سپس سچ رفیق مواج سازمان را در مورد انتخاب ...
سات تشریح سمود و سپس سنا سنده، کارگران سچسار ...
تهران که در ضمن کاندید سنا سندی مجلس سسورای ...
ملی سزیمی ساد سصحت کرد، و پس از آن رفیق حسین ...
احمدی روحانی کاندیدای تهران سازمان شروع سه ...
صحت سمود، حاضرین ساشار: " حسین روحانی کاندید ...
انقلابی، علیه امپریالیسم "نسبت سه وی اسرار ...
احساسات سمودند، اودر طی سخنان خود نخست سه سه ...
سدهای از زندگی خود سیرا خت و سپس سنا سه حد اقل ...
سازمان را اعلام سمود، پس از وی رفیق علیرضا

"سوال ۹ - مارکس، ماتریالیسم را از چه ...
کسی گرفته است؟ ...
الف - هگل ...
ب - فوئیباخ ...
ج - ارسطو ...
د - پرودون ...
"سوال ۲۶ - ولایت فقیه: ...
الف - با احکامیت ملی منافات دارد ...
ب - پذیرش رهبری معصوم است ...
ج - دیکتاتور آخوندیسم است ...
د - هیچکدام "

توضیح اینکه دا و طلبین می‌بایست یکی از ...
جوابهای سچا رگا سه؛ هرکدام از سوات فوق را که ...
سبظران درست می‌اندا انتخاب می‌گردند؛ بدیسن ...
ترتیب از طریق چنین سواتی، سادا مکان عقاید ...
سیاسی و ایدئولوژیکی افراد سنا ساشی می‌کنند ...
ساعلاوه بردست چین کردن عناصر سنا سب برای مقاصد ...
سذخلق خود، عناصر آگاه را سبزشنا خت و تحت نظر ...
قرار دهند .

مبارزاتی شهرام مبارزه ایدئولوژی با وادار درون ...
جانش انقلابی تاکید می‌ساشیم
ما سرتانیم که تمسیم گیری دمورد سهرام سه در ...
سلاحیت ارتجاع بلکه سرفا در توان و ملاحیت سبرو ...
های انقلابی ما رکسیت - لنینیست و دموکسرات ...
ساجمه است .

مایک باردیگرا زهمه خا نواده های شهدای سازمان ...
مجا هدین خلق ایران، دموکراتهای انقلابی، ...
انقلابیون مارکسیست - لنینیست می‌خواهیم که در ...
اقشای اهداف سید ارتجاع از تشکیل سه اصطلاح ...
دا دگا و محمد تقی سهرام هتنام ورزند .

مردور امپریالیسم آمریکا، نماینده جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس R.C.D

رژیم جمهوری اسلامی اخیرا "عدنان مزارعی" ...
یکی از مهره های شناخته شده رژیم مزدور شاه و از ...
عوامل امپریالیسم آمریکا در ایران را بعین سنوان ...
سنا سنده؛ خود برای شرکت در جلسات کنفرانس امیر ...
سالیستی "سپمان اقتصاد R.C.D" فرستاده است! ...
عدنان مزارعی! استاد سابق دانشگاه، اقتصاد ...
دانشگاه تهران، سدا ز قبا سبهن ماه بچرم سسریدگی ...
سه امپریالیسم آمریکا توسط شورای هماهنگی دانشگاه ...
اقتصاد اخرج شد، در زمان رژیم شاه و وظایف سنا سنا سه ...
این مزدور، شرکت در سدا سه کردن "اصل سچا سترومن" ...
"سنا ورت اقتصاد سنا آمریکا در ایران" و مؤسس ...
و طراح سدا سه کردن توطئه سه اصطلاح "دفاع سچر - ...
نظامی" از جانب رکن ۲ ارتش در ادارات بود، ...
سگا رگرفتن چنین سیره، خوش خدمت و آزموده ...
سدهای توسط هیتت حاکمه سذخلق کنونی سه ...
سعجی را بر سنا انگیزد، مگر نه این است که کنفرانس ...
R.C.D یکی از شوگردهای امپریالیسم آمریکا برای ...
سکترش سسلطه اقتصاد خود سبرکشورهای وابسته سنا ...
سنا سه و از جمله ایران بوده است؟ پس سچکم، سبهنز ...
از "عدنان مزارعی"!

کمیته پشتیبانی از ...
انقلابیون و مبارزان زندانی ...
۵۸/۱۲/۵

پیروزی دیپلمه‌های بیکار

رامهرمز - روز ۵۸/۱۱/۱۵ دیپلمه‌های بیکار را مهرزدرمحل فرمانداری رامهرمز دست به تحن زدند (عده شرکت کنندگان در تحن حدود ۲۰۰ - ۲۵۰ نفر بود) تا روز ۵۸/۱۱/۲۱ حدود ۲۰۰ گروه انجمن و سازمان از این اقدام دیپلمه‌های بیکار را مهرز پشتیبانی کردند. دیپلمه‌ها بدنبال اظهار قبلی از روز ۵۸/۱۱/۲۳ در گروه‌هایی ۱۰ نفری دست به اعتصاب غذای تازدند.

در این روزها وجود تلاشهای مذبحو نه با ساداران سرمایه و "بخشی" نماینده داستان اهواز در رامهرمز مردم حمایت وسیع خود را از دیپلمه‌ها اعلام کرده و با شعارهایی از قبیل:

کار برای کارگر، زمین برای بزگر، ایجاد بایکد کرده با ساداران، با ساداران می سرمایه دار - ارتجاع، ارتجاع عامل امیرالیم - ای دیپلمه بیکار، ای بارخوف ما، هرگز نکن سازش، گزیرتو فرور آورند رگبار مسلسل را - زحمتگان بدانید دیپلمه بیکار است، ساواکی سرکار است.

از آنها پشتیبانی کرده و آنها را به یاری تویق میکردند و سرانجام نیز مسئولان امور با توجه به بیکاری موقوف دیپلمه‌های بیکار و پشتیبانی مردم از آنها مجبور شدند به خواسته‌های آنها پاسخ مثبت دهند.

بعدا از این پیروزی، راهپیمایی بزرگی در شهر برگزار شد که شعارهای زیر داده میشد:

دیپلمه‌ها رژیمند، با ساداران لرزینند!
دیپلمه‌های بیکار، بیروزیان مبارک!

حرکت بیکار چه مردم و دیپلمه‌های بیکار، بار دیگر منت محکمی برده ان ارتجاع کو بیروزیان داد که حق گرفتاری است نه دادنی و آنچه در این راه لازم است اتحاد است و تشکل. (انتقال از کمیته محلیسی بیکار - کمیته خوزستان شماره ۱۱).

تحصن دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان همدان و فشار عوامل ارتجاع

بدنبال بی توجهی مسئولین به خواسته‌های بحق دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار همدان، حدود ۲۰۰ نفر از آنها روز ۵۸/۱۱/۲۸ در سالن شهرداری این شهر دست به تحن و اعتصاب غذا زدند. از همان روز - های اول تحن گروه‌هایی از مردم، بخصوص دانش - آموزان با مراجعه به سالن شهرداری پشتیبانی خود را از متحصنین اعلام نمودند. از طرف دیگر عوامل ارتجاع از طرق مختلف از جمله تهدید، توهین و ... و تحریک مردم نا آگاه کوشیدند تحن آنها را شکست بکنند. اینان از سردرماندگی عده‌ای از دانش - آموزان سال چهارم نظری دبیرستانهای همدان را که از بیکاران متحصن پشتیبانی کرده بودند از مدرسه اخراج نمودند. با ساداران با صلاح انقلاب نیز تهدید کردند که اگر به تحن خود ادامه دهند، چاقو قداران را علیه آنها بسیج خواهند کرد. اما با وجود همه این توطئه‌ها دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار به تحن خود ادامه دادند. بعضی از خواسته‌های آنها عبارتند از:

- ۱ - ایجاد کارهای تولیدی (کشا و روزی) صنعتی، مواد غذایی و عمرانی و خدماتی.
- ۲ - پرداخت حق بیکاری تا ایجاد کار مناسب بر اساس هزینه متوسط زندگی.
- ۳ - رفع هرگونه تبعیض استخدا می بین زن و مرد.
- ۴ - بازگشایدن آموزش از آنجا که در راه با حمایت از تحن ما اخراج گردیده اند پشتیبانی کرده و خواستار بازگرداندن آنها به کلاس‌های درس می یانیم.
- ۵ - ما خواستار مصا دره کلیه اموال سرمایه داران وابسته به امیرالیم هستیم.

در جریان اعتصاب غذا و تحن دیپلمه‌ها و فارغ - التحصیلان بیکار همدان، آیت الله خمینی در تشریح به همدان می آید. شورا ی نمایندگان بیکاران از وی میخواهند که بحل تحن آمده و بخواسته‌های آنها توجه کند، ولی وی اعلام میکند که در صورت شکست اعتصاب غذا و تحن بمیان آنها خواهد رفت. متحصنین پس از ۱۱ روز اعتصاب غذا و در

کیمیا
صفحه ۴
پخش کننده ۵ اسفند ماه ۱۳۵۸
مقام رییسی آتانی ۱۶۰۰ - شماره ۳۰۳۳۳۳
بیت اعتصاب غذا
۱۲ نفر از متحصنین همدان به بیمارستان منتقل شدند
شورای دانش آموزان
دوروز تعطیل
همان سخنرانی که بیان - ۱۲ تراز فارغ التحصیلان بیکار همدان که از یکشنبه گذشته در شهرداری این شهر دست به تحن و اعتصاب غذا زدند، به حالت افتاد افتاد و به بیمارستان آکاتان منتقل شدند. متحصنین در استراحتی اعلام داشتند: تا استخدا، مدیران کل ادارات، و قنات دادگتری، امام جمعه همدان

میکند، عمل شما بیفیع غذا انقلاب تمام میشود و چون شما جوان و نادان بودید من از گنا هتان چشم پوشی می کنم !!! آنکه جمله با رها شنیده شده "شما به دولت فرصت دهید... " را بعنوان راه حل مطرح میکنند. متحصنین ضمن اعتراض به سخنان وی میگویند که ما به تحن خود ادامه میدهم و مدنی با وقاحت میگوید: "منهم مردم را در مقابلتان قرار میدهم... " وی همچنین با خواست دیگر بیکاران که ما زکشت دانش - آموزان اخراجی بود موافقت نکرده میگوید: "آنها باید تشنه شوند!" مدنی حتی اجازه نمیدهد که بیکاران خواسته‌هایشان را قرائت کنند. سرانجام دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار همدان در برابر عوامل ارتجاع و جوسومی که علیه آنها ایجاد شده بود، بمنظور جلوگیری از درگیری به کار خود پایان دادند. آنها اگر چه در این مرحله موفق نشدند به خواسته‌های خود دست یابند، اما تجارب فراوانی بدست آوردند که بی شک میتواند در حرکت‌های بعدی آنها را همتایشان باشد. ■

ما هها پس از قیام بهمین ماه در خوزستان پیدا کرده به دست کمیته‌ها سپردند.

اما رژیم جمهوری اسلامی با این خاشن چه کرده است؟! و امروز با هم‌شا و ربا زجوها رژیم جدید است و گاه بعنوان زندانی سیاسی جهت خیرچینی و حسرف کشیدن از انقلابیون زندانی مورد استفا ده قرار میگیرد. خبری حاکی از این است که در جریان تهاجم به کردستان سیواسته‌اند و را بعنوان بازجو در کنار امثال خلخالی به آن منطقه اعزام دارند ولی این مسئله با مخالفت برخی از ساداران که هنوز خود را کاملاً به فدا انقلاب نفروخته اند مواجه میشود و مسئولین امر از ترس بر ملا شدن این توطئه پلید، از این کار منصرف میشوند.

باید گفت چشم‌شده‌ها از این بهره‌ای کسها از انقلاب خود برده‌اند، روشن راستی چه چیز مشترکی بین آدمکشان و خاشن رژیم سابق و رژیم کنونی وجود دارد؟

و شنا سازی انقلابیون و استفا ده از خاشن به خلق برای سرکوب نیروهای مترقی را بارها شنیده ایم. یک نمونه تا زه استفا ده از خاشن و خود نفرو - ختگان رژیم شاه بکار گرفتن خاشن معروف احمد رضا کریمی است.

احمد رضا کریمی در سال ۵۱ تظا هربه طرفداری از مجاهدین خلق میگردید پس از دستگیری خیا نشنا کرد. او پیش از مدنفکره آنها را بطور بیراکننده و از دوران کودکی میشناخت و اغلب آنها صرفاً مخالف رژیم شاه بودند و در فعالیتهای مخفی و انقلابی هم شرکتسی ندا شدند و با دو آنا نرا به زیر شکنجه فرستاد. او آنقدر وقیح بود که یک افسر آگاهی را هم که به او گفته بود: "دیگر لودان بس است" به روسای ساواک لو داد. او با با زجوها ی ساواک و کمیته شهربانی همکاری فعال داشت. ماما حبه تلویزیونی شرم آور او را در ۱۶ بهمن ۵۲ بسیاری بیا ددارند.

این خاشن خود نفروخته را توده‌ها و عناصر انقلابی

جرار رژیم جمهوری اسلامی

از انقلابیون می نرسد؟

چرا ضد انقلابیون و خاشین را

بکار میگیرند؟

خان خود فروخته احمد رضا کریمی

کجا است؟

اینکه در رژیم کنونی بسیاری از اعمال آمریکا و مزدوران خونخوار و روجا و لگرو رژیم شاه بر سر کار هستند، حرف تازه‌ای نیست.

تیمسار رشا کرها، دریا دار مدنی ها، دریا سادار علوی ها را همه می شناسند. قضیه دکتر شیخ الاسلام زاده ها را هم همه میدانند. غفوسا و اکیبا و آدمکشان حرفه‌ای رژیم شاه را توده‌ها می شناسند و ما شنیده‌اند و از شدت خشم بخود پیچیده‌اند...

بکار گرفتن ساواکیها برای پایه‌ریزی "ساوا" (ساواک جدید) بدست امثال چمران و صادق طباطبائی



گرامی باد خاطره رفیق شهید هایده (حوریه) بازرگان



- آشنائی و هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۹
- فعالیت افتخارگرا و آگاهگرانه توده ای همراه
- با خانواده های زندانیان سیاسی ۱۳۵۰
- ادا ماه فعالیت مبارزاتی در خارج کشور ۱۳۵۴ - ۱۳۵۲
- مبارزه همدوش با خلق فلسطین و خدمت در هلال احمر فلسطین
- در جریان جنگ لبنان و قرار گرفتن در معرض مارتکستی لنینیستی ۱۳۵۴
- ادا ماه مبارزه در جبهه نبرد انقلابیون عمانی با ارتجاع و
- امربالیم و کار در دفتر سازمان در عدن ۵۵ - ۱۳۵۴
- بازگشت مخفیانه به ایران و شهادت : نیمه اسفند ۱۳۵۵

دست امیربالیم، صهیونیسم و ارتجاع از منطقه ما قطع خواهند شد، این پیروزی حتمی و اخلقیای قهرمان منطقه تضمین خواهند کرد."

ایران آمده و با وجود آنکه به تهران رسیدند ولی سر کارهای ارتباطی خود را فراموش نکردند. اطلاعات بعدی نشان داد که آنها خود را در دام پلیس تشخیص داده و سعی کرده اند مجدداً از کشور خارج شوند ولی در نزدیکیهای مرز بازرگان به دام پلیس دژخیم شاه افتاد و به شهادت میرسند.

با رفیق حوریه بازرگان و همزمین رفیق مرتضی خاموشی را گرامی میداریم، آنها با عمل انقلابی خود، با فداکاری و از جان گذشته خویش نشان دادند که تا چه اندازه به آرمان زحمتکشان و فداکارانند، تا چه اندازه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن و کلیه مرتجعین کینه دار و تودماغی در راه مبارزه جهت برکنار شدن ریشه دشمنان خلق خون خویش را تقدیم دارند.

رفیق حوریه بازرگان از جمله زنان انقلابی میهن ما است که دشوار ریهایی طاقت فرسای مبارزه در آن سالهای سیاه را با جان خرید و چشم به دیدن صبح پیروزی زحمتکشان و بویژه طبقه کارگران داشت، رفیق یکی از افتخارات زنان زحمتکشان ایرانی در راه رهایی ازستم طبقاتی، ملی و اجتماعی است، زندگی انقلابی او و شور و عشق او به خلق برای مادرش بود، خاطره اش گرامی باد.

رفیق طی برای شیک انقلابی خود و آموزشهای بخش منتهی سازمان مجاهدین در موضع مارتکستی لنینیستی قرار گرفت و در پیاپی ۵۴ پس از شهادت رفیق رفعت افرا در نظام، از طرف تشکیلات انقلابی خود، برای متارکت در مبارزه خلق قهرمان عمان به جبهه مبارزه زندانیان اعزام شد و در همان زمان که هوا پیمایهای ارتش تاج و زگرشا هروستا های یمن دمکراتیک و کلیه های خلق ستمدیده عمان و مواضع انقلابیون عمانی را در معرض حملات خود قرار میداد، همراه با رفقای دیگر منجمله رفیق شهید محبوبه امرا ز در خدمت به انقلاب منطقه تلاش میکرد و نمودی از پیوند نزدیک و بی دراز نه خلق ما با خلقهای ستمدیده عمان و یمن بود، رفقای انقلابی عمان او را با نام فریده می شناختند.

در همین مدت، کار اجرای برنامه فارسی رادیو جبهه خلق برای آزادی عمان از عدن، بنهاده او و گذارند و حدود دینکمال به این وظیفه عمل میکرد و سرانجام در راه مبارزه با مآرزا تا انقلابی خود و پس از پشت سر گذارن یک دوره آموزش و پراکنش انقلابی در رابطه با انقلابیون منطقه همراه با رفیق شیبند مرتضی خاموشی به ایران بازگشت، آنها با مقادیری سلاح و مدارک تشکیلاتی مخفیانه از راه ترکیه به

رفیق شهید حوری بازرگان در سال ۱۳۲۳ در خانواده ای متوسط در مشهد متولد شد و در همین شهر تحصیلات دانشگاهی خود را با پایان برد، آشنائی او با مسائل سیاسی از طریق خانواده و نزدیکانش صورت گرفت و از همین طریق بود که پس از انتقال به تهران سازمان مجاهدین خلق ایران را ساخت.

در سال ۴۹ در مردرد حصرا همراه با دیگران در خدمت و با سایرهای گوناگونی از اعضاء سازمان مجاهدین داد و ستد علائقی او به مبارزه انقلابی بستند.

در سال ۱۳۵۰ و دستگیری دهیای از اعضاء و رهبران سازمان حرکت مبارزاتی تا بل نوجبی را بین بقیه اعضاء و هواداران موحسد، رفیق حوریه بازرگان همراه با خانواده زندانشان علاقه در انسانی حیاتیات بررهما در کمد دست و معرهای متعددی به سپهرستان های مختلف و سیاسی مردم زبیری خصیصه های احساسی آرزو نمود و در پاسخ نیروها منفع جنبش انقلابی و کارگرا هکرا به او فداکارانه علیه رژیم خدمت کرد، تا سال ۵۲ رفیق حوریه همسوان سبائیستان علی سازمان مجاهدین فعالیت میکرد، در زمستان ۵۲ به سوی سازمان عازم خارج کشور شد و در بخش خارج از کشور سازمان با اجرای وظایف انقلابی خود پرداخت.

در سپاروناسان ۵۴ جدیدی ماه در لستان در سازمان هلال احمر فلسطین خدمت کرد، در آن زمان جنگ داخلی فلسطین و بیروهای مترقی لبنانی جنبش انقلابی فلسطین و بیروهای مترقی لبنانی بندت جریان داشت و رفیق حوریه با اشتیاقی انقلابی به این وظیفه خویش ادا میداد، رفقای فلسطینی که او را دلایل امنیتی بنام فاطمه اهل افغانستان می شناختند مصیبت انقلابی او را بخاطر دارند. رفیق حوریه طی مصاحبه ای که با یک مجله مترقی - خواه لبنانی در همان زمان با نام مستعار دانست وضع خود را چنین توصیف کرد:

"ما انقلابی هستیم و در راه رهایی خلق خویش از جنگال امپریالیسم و ارتجاع مبارزه می کنیم، جبهه نبرد فلسطین و لبنان در برابر آمریکا، اسرائیل و ارتجاع با جبهه نبرد در میهن ما یکی است، ما دشمن مشترکی داریم و با خلقهای قهرمان فلسطین و لبنان در یک سنگرمی جنگیم، ما با یکدیگر عمل ثابت کنیم که پیروزی خلقهای ما بر دشمن با هم پیوندنا گسستنسی دارد، مبارزه دوشا دوش خلق عرب و علیه دشمن مشترک و وظیفه ما ست و ما به نجام این وظیفه افتخار میکنیم زیستن، جنگیدن و شهادت در کنار خلق فلسطین برای ما حکم یک وظیفه و یک آرمان را دارد، اردوگاه فلسطینی ها در مرحله مبارزه که خانه من در آنجا ست را ما متذوق خودم دوست دارم و یقین دارم که روزی

توضیح و تصحیح

۱ - در شماره قبل در تاریخ گذاری نشریه بجای ۶ اسفند، ۷ اسفند نوشته ایم که با عرض پوزش تصحیح می کنیم.

۲ - در شماره قبلی نشریه در مقاله "مجا هدیسن در دام توهمات لیبرالی" در بابیاد نحوه برخورد مجاهدین به آئمه بود که (بویژه) اینکه در حال حاضر تحریف و فایح و دروغبار کنی کم و بیش بیک شیوه رهبری مجاهدین تبدیل شده است (در اینجا منظور ما نحوه برخورد این سازمان با و مسائل درونی سازمان مجاهدین از سال ۵۴ - ۵۲ و بخش منتهی می باشد و نه چیز دیگر، بدین وسیله برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم سو، استفا ده تا کید می شود.

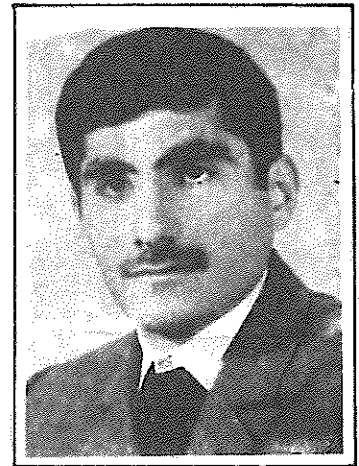
۳ - در پیکار شماره ۴۲ بجای عکس مربوط به صفحه ۵ ویژه تا مقیام ۳ بواسطه اشتباه چاپی، عکس که چند خط عربی است چاپ شده است.

فعالیت هواداران سازمان، در خارج کشور

هواداران سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر در خارج از کشور، در ادا ماه فعالیتهای مبارز - اتی خود برای معرفی جنبش انقلابی و کمونیستی میهن و در دفاع از جنبش دمکراتیک - خدا میریسا - لیستی و جنبش انقلابی کارگران اخیراً دست ترجمه مقالاتی از هفته نامه پیکار به زبان انگلیسی زده اند، ما این اقدام رفقا را خدمتی در راه گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی ارزیابی کرده و با سپاس امیدواریم این رفقا هم در زمینه معرفی جنبش ایران و هم در ادا ماه عرضه دستا وردهای جنبش انقلابی و کمونیستی جهانی به زحمتکشان ایران موفق باشند.

نان مسکن آزادی

معرفی کانديد سازمان در بندرانزلی



رفیق مسعود پورکریم

رفیق مسعود پورکریم در سال ۱۳۲۶ در بندر انزلی و در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود. از همان ابتدای نوجوانی بخاطر سرکوب جنابکارانه مبارزین آزالیهای ۲۲ سپید، که برخی از اقوام و آشنایان رفیق را نیز در سربازی گرفتند با مسائل سیاسی و جنبات رژیم آشنائی پیدا کرد. در دوره دبیرستان با شرکت در جلسات مذهبی - سیاسی به مسائل و دردهای جامعه آگاهی بیشتری یافت و با کسب آگاهی نسبی و با توجه به اینکه خود نیز با سختی و روح آشنائی داشت، هرچه بیشتر عشق به زحمتکشان را در دل خود می پروراند. عشق به کارگران، عشق به صیادان رنج کشیده بندرانزلی که همواره در زیر سرکوب و ستم حکمهیوشان و مزدوران شیلات فسرار داشتند.

پس از پایان دوره دبیرستان بعنوان سباهی دانش بیکی از دهات اطراف شهرستان نغده رفت. این دوره همزمان با سرکوب خلق کردا و جنبات رژیم شاه مزدور بود. رفیق در اینجا نیز با زحمات بیشتر و سختی و فقر و محنتکشان در جامعه بود. و خود را هرچه بیشتر برای مبارزه علیه سیستم و رژیم می کوشید. با اعتقاد این دردها و رنجها بود آماده میکرد.

پس از پایان این دوره، رفیق در شرکت فیلیس شعبه کیلان استخدام گردید. در اینجا نیز با می توانست از نزدیک با آنچه قبلاً راجع به آن مطالعه کرده بود، یعنی سرمایه داری وابسته و ما هیئت انکلی آن، بهتر آشنا گردد و در شبها رگونه غمناک دم صراف را در مقابل فقر و تنگدستی های خلق مشاهده نماید. در این دوره و پیش از هروقت دیگری دنبال راه جدی و انقلابی مبارزه می گشت و سرانجام در بهار سال ۵۵ گم شده، خسود را یافت. در این زمان او توانست به همراه محفل که در آن کار میکرد با سازمان مجاهدین خلق ارتباط برقرار کند. و تحت آموزش این سازمان قرار گیرد. پس از شهریور سال ۵۵ و ضرب و بلایان با اینکه

بیشتر از چند ماه از ارتباط او با سازمان نمی گذشت بدستور سازمان در پانزدهم سال مخفی شد، و سه عنوان یک انقلابی حرفه‌ای دوره نویسی از مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه

- در سال ۱۳۲۶ در بندرانزلی متولد شد.
- در بهار سال ۱۳۵۰ با سازمان مجاهدین خلق تماس گرفت.
- در پانزدهم سال ۱۳۵۰ مخفی و مبارزه علیه رژیم شاه را بطور حرفه‌ای آغاز کرد.
- تا سال ۱۳۵۳ در عملیات نظامی نظیر عملیات انفجاری در اعتراض به سفر سلطان قابوس به ایران و بانک عمران (شاه) شرکت کرد.
- در جریان تغییر و تحولات درونی، آید نولوژی طبقه کارگر را قبول و به بخش منشعب پیوست.
- از پانزدهم سال ۵۳ تا پانزدهم سال ۵۴ برای ارتباط با کارگران در کارخانه‌ها کار کرد.
- در کارخانه‌های پلاستی ران، صنایع فلزی طاهری، ایران سوپ، تولیدی بارس متال، کفش وین، کفش بلا به همراه هزاران کارگر دیگر به کار پرداخت.
- در زمستان سال ۵۵ با ما مورین گشت کمیته باصلاح ضد خرابکاری در گریوس از زخمی کردن یکی از مزدوران موفق به فرار شد.
- در قیام بهمن سال ۵۷ بطور مسلحانه و در کنار خلق علیه رژیم سلطنتی وابسته جنگید.

خائن و استعمار و ستم طبقه‌ای را آغاز کرد. در ابتدای شروع مبارزه مخفی، رفیق بدلیل صلاحیت در کار تکنیکی - نظامی مسئولیت‌هایی در این رابطه بعهده گرفت. و با سال ۵۳ در عملیات نظیر عملیات انفجاری هنگام ورود سلطان قابوس با دستا مزدور عمران به ایران، انفجار بانک عمران متعلق به بنیاد پهلوی (شاه) شرکت کرد.

رفیق در جریان تغییر و تحولات درونی سازمان با تکیه بر تمامی دستا و دردهای مبارزانی خود و با ایمان به این حقیقت که تنها ایدئولوژی طبقه کارگر می‌تواند چراغ راه آزادی و استقلال واقعی خلق و محو استعمار در جامعه گردد، به بخش منشعب پیوست. از این پس او با هدف کاسیاسی - تشکیلاتی در میان کارگران به کار پرداخت، و مدت زیادی را در رابطه نزدیک با کارگران که در کارخانه‌های ذوب فلزات و در زیرسقفهای پردوده و در بدترین شرایط کار، به تولید می پرداختند، کار کرد. از آنها آموخت و تجارب خود را در اختیار سازمان گذاشت.

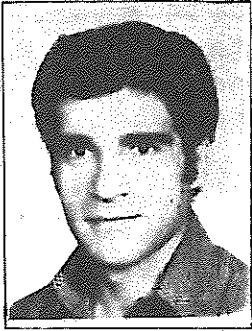
رفیق بین پانزدهم سال ۵۳ تا پانزدهم سال ۵۵ و در بدترین شرایط امنیتی در حالیکه مانند دیگر رفقای مخفی سازمان مورد پیگردانی نمی ما مورین ساواک قرار داشت، در کارخانه‌های پلاستی ران، صنایع

فلزی طاهری، ایران سوپ، تولیدی بارس متال، کفش وین و کارخانه کفش بلا به همراه هزاران کارگر دیگر به کار پرداخت و بدین ترتیب به کاسیاسی - تشکیلاتی سازمان در رابطه با طبقه کارگر در حدی که مشی حاکم بر سازمان اجازه می داد کمک نمود. این دوره برای رفیق آموزشهای گرانبهای را در بر سر دارد. این دوره از او یک مبارز جدی و مقاوم ساخت. در این دوره رفیق با ارائه تحلیل‌ها و مطالعات خود در میان کارگران کمک زیادی به ما خد، کارگری سازمان می نمود.

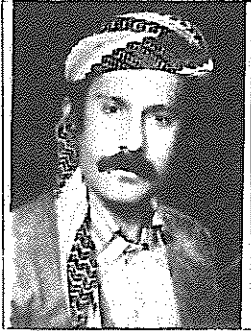
در زمستان سال ۵۵ رفیق مسعود پورکریم در خیابان هفت جنار (بیربانک) شهران مورد سوءطس ما مورین گشت کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری قرار گرفت. ما مورین که قصد دستگیری رفیق را داشتند با آتش نلیک رفیق مواجه شدند و موضع دفاعی گرفتند رفیق مسعود پورکریم در جریان این جنگ و گریز موفق شد با زخمی کردن یکی از ما مورین مزدور کمیته داغ دستگیری خود را بردل آنان بگذارد و سالم از محبس فرار کند. او در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان که از آغاز سال ۵۶ علیه نقطه نظرات نادرست درون سازمان آغاز گردیده بود، فعالیت شرکت داشت و پس از موفقیت این مبارزه در درون سازمان بیکار در دره آزادی طبقه کارگر به فعالیت خود ادامه داد. رفیق مسعود پورکریم در قیام بهمن ماه در کنار خلق و بطور مسلحانه حضور داشت. روز ۲۳ بهمن رفیق هنگام حرکت در شهرورما شگسکه عازم کمک به روزمندگان خلق در یکی از مناطق شهران بود توسط ما مورین گمشته ما مه محل گمشته مرکزی (مدرسه رفاه) جلب شد. مسئولین وقت دولت وقت، از رفتار درست رفیق سوءاستفاده کردند و او را در بند دیگری راهگه همراه او بدو دخل سلاح نمودند. آنجا حتی سلاح سازمانی رفیق را که در زمان شاه با خون دل و سارخون شهیدان بدست آورده بودیم از او گرفتند! و بدین ترتیب نشان دادند که دوست بیگانه جویان وفا دار به خلق نیستند.

رفقای هوادار!
دوستان مبارز!
در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی
یکی از شروط موفقیت مادر پیشبرد
برنامه‌های سیاسی - تبلیغاتی خود،
حل مسئله مالی است.
کمک‌های مالی خود را از هر طریق
که میتوانید بدست ما برسانید.

مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عافیت جویان



رئیس فام غانسی
(سرخرد)



رئیس محمدحسینی
(سبز)



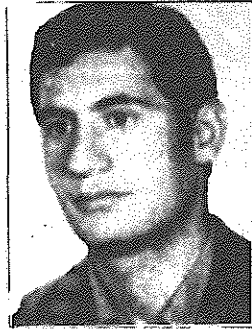
رئیس بهس نادری
(سبز)



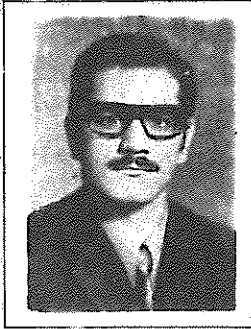
رئیس حسن احمدی روحانی
(سبز)



رئیس مسعود ماسوی
(سبز)



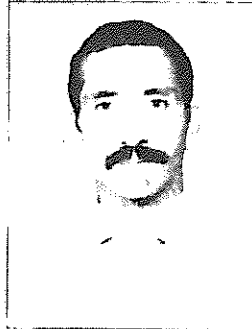
رئیس محمدجفر لازری
(سبز)



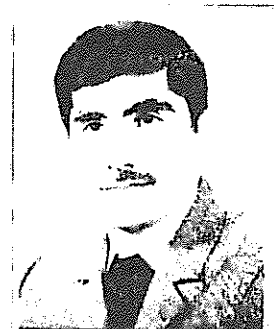
رئیس حبیب سدا احمدیان
(سبز)



رئیس سعید حسینی
(سبز)



رئیس بهس احمدی
(سبز)



رئیس مسعود موزکری
(سبز)

برنامه کاندید اهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد:

(بنقل از رئوس برنامه حداقل سازمان)

- تا مین ممکن رایگان، از طریق صادره کلیه واحدهای بزرگ ساختمانی و اراضی شهری متعلق به سرمایه داران بزرگ و واسطه و کمک و سرمایه - گذاری دولت انقلابی در این زمینه .
- تا مین بهداشت و درمان رایگان .
- تا مین آموزش رایگان از سطح کودکان تا دانشگاه و اجباری بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی .
- اسکان عسارتا مین شرایط مسا عدکار (کشا و رزی ودا میداری و ...) ، سکن، بهداشت و آموزش رایگان برای آنها

پی ریزی نظام اقتصادی

بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان

- طبقه سزنا به ریزی اقتصاد، مالکیت و کنترل کلیه منابع و موسسات بزرگ مالی، صنعتی، کتا و رزی، معدنی، بازرگانی و خدمات بر عهده و در اختیار دولت انقلابی خواهد بود، دولت انقلابی موظف است که سهم گیری سوسیالیستی در اقتصاد را به منظور پی ریزی تا لوده نظام سوسیالیستی آینده ا کیداً مراعات نماید .
- حمایت از سرمایه گذاران ریها ی کوچک در جا رجوب برنا مدیری اقتصادی دولت انقلابی و جلوگیری از ورود محصولات خارجی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد .
- اقدام فوری به برقراری نظارت و کنترل از طرف شوراهای انقلابی کارگران بر تولید اجتماعی و توزیع محصولات و نظارت بر تدوین قانون کار انقلابی .
- صادره اراضی، باغها، نهجها، قنوات و چاههای آب متعلق به زمین داران و مالکین بزرگ و واگذاری آنها به شوراهای انقلابی دهقانان .
- تا مین کمکهای مالی و فنی به شوراهای انقلابی دهقانان و خرید محصولات کشا و رزی از شوراهای با قیمت مناسب و جلوگیری از ورود کالاهای مشابه از خارج کشور .
- تشویق خرده مالکان به ایجاد تعاونی های تولید و کمکهای لازم به آنها .
- لغو تمامی بدهی های دهقانان بدولت، مالکین بزرگ و سرمایه داران .

تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای خلق

- محسن آزادی سکل وصال سدا احزاب، جمعیت ها و سازمانهای سیاسی انقلابی و سرتی .
- محسن آزادی سکل وصال سدا سدا ها ، اتحادیه ها و سایر سازمانهای صنفی و سیاسی سرتی و انقلابی .
- محسن آزادی اجتماعات، مطهرات، راه پیمائی، اعتصاب و محسن برای نیروهای خلقی .
- تا مین آزادی عقیده، مذهب، لسان، قلم و مطبوعات سرتی و انقلابی و رنج هرگونه ستم سرتی و مذهبی .
- تا مین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی .
- برابردادن هرگونه ستم ملی و نژاد سائی حق خلقها در تعیین سرتی و سرتی، اتحاد و طلبا به ویرا در اند خلقها از طریق برقراری خودمختاری خلق ها در جا رجوب برای سکل و دموکراتیک به مفهوم واگذاری حق اداره کلیه امور منطقه به شورای مرکزی انقلابی خلقها، جزا مور مربوط به سرتی مد ریزی عمومی اقتصاد، تجارت خارجی، دفاع ملی و سیاست خارجی که به عهده دولت انقلابی مرکزی است .
- تا مین حق رای همگانی، مساوی، سقیم و مخفی در انتخابات نمایندگان شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری .

تأمین رفاه عمومی زحمتکشان (شهر و روستا)

- ایجاد کارخانه و صنایع برای همه کارگران .
- جلوگیری از کار اطفال و کمپانان .
- تا مین حداقل دستمزد متناسب با هزینه و سطح زندگی .
- تا مین حقوق اوقات سبکاری، بیماری، از کار افتادگی و بازنشستگی .
- برقراری ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته و یکماه مرخصی سالانه .